



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمر الکرما
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

سلسلہ مباحث مہدویت

تولد حضرت مہدی

علی اصغر رضوی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تولد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

نویسنده:

علی اصغر رضوانی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	تولد حضرت مهدی علیه السلام
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۸	مقدمه ناشر
۲۰	چگونگی ولادت حضرت مهدی علیه السلام
۲۸	مبنای مؤلفان حدیثی مصادر مهدویت
۳۱	نسبت ضعف به احادیث ولادت
۳۳	عوامل مؤثر در حصول یقین به ولادت
۳۴	احادیث صحیح السند در مورد ولادت
۳۷	خبر از ولادت امام مهدی علیه السلام
۴۱	خبر رسول خداصلی الله علیه وآله از ولادت
۴۲	خبر حضرت علی علیه السلام از ولادت
۴۳	خبر امام حسن علیه السلام از ولادت
۴۳	خبر امام حسین علیه السلام از ولادت
۴۴	خبر امام سجادعلیه السلام از ولادت
۴۵	خبر امام باقرعلیه السلام از ولادت
۴۵	خبر امام صادق علیه السلام از ولادت
۴۷	خبر امام کاظم علیه السلام از ولادت
۴۸	خبر امام رضاعلیه السلام از ولادت
۴۹	خبر امام جوادعلیه السلام از ولادت
۵۰	خبر امام هادی علیه السلام از ولادت
۵۱	خبر امام عسکری علیه السلام از ولادت
۵۲	تشخیص هویت حضرت مهدی علیه السلام

۵۳	وضعیت سیاسی عصر امام عسکری علیه السلام
۵۵	خوف از قتل
۵۶	وضع سیاسی بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام
۵۷	اولین مالک نرجس خاتون
۵۷	بررسی یک روایت
۵۹	ولادت حضرت مهدی علیه السلام قبل از ظهور
۶۰	اختلاف در ولادت
۶۱	عصر حیرت
۶۲	کوشش برای رفع حیرت
۶۳	کوشش در عصرهای مختلف
۶۵	علت اختلاف در امر ولادت
۶۷	علت وصیت به مادر
۶۷	نص بر امام زمان علیه السلام
۶۹	اتفاق امامیه بر ولادت
۷۰	اتفاق مورخان شیعه بر ولادت
۷۰	حکم منکر ولادت
۷۱	ملاقات با امام زمان
۷۶	اعتراف علمای انساب به ولادت
۷۷	عدم اعتنا به انکار جعفر
۷۸	ادّعی دروغین
۷۸	کارهای ناشایست جعفر
۷۹	تشبیه جعفر به برادران یوسف
۸۰	انتقال امامت به دو برادر
۸۲	تعزیت به جعفر
۸۴	ولادت مهدی موعود «علیه السلام» از دیدگاه اهل سنت
۸۴	ولادت مهدی موعود «علیه السلام» از دیدگاه اهل سنت

- اعتراف اهل سنت به ولادت ۸۶
- اعتراف اهل سنت به ولادت ۸۶
- ۱ - علامه شمس الدین قاضی ابن خلکان شافعی (متوفای ۵۶۸۱هـ) ۸۶
- ۲ - علامه صلاح الدین خلیل بن ابیبک صفدی ۸۷
- ۳ - ابن اثیر جزری ۸۷
- ۴ - علامه میر خواند ۸۸
- ۵ - علی بن حسین مسعودی (متوفای ۳۴۶هـ) ۸۸
- ۶ - ابوالفداء اسماعیل بن علی شافعی (متوفای ۷۳۲هـ) ۸۹
- ۷ - علامه محمد فرید وجدی ۸۹
- ۸ - سبط بن جوزی ۸۹
- ۹ - محمد بن طلحه شافعی ۹۰
- ۱۰ - شمس الدین محمد بن طولون حنفی (متوفای ۹۵۳هـ) ۹۰
- ۱۱ - میرزا محمد بن رستم بدخشی شافعی ۹۰
- ۱۲ - احمد بن حجر هیتمی شافعی ۹۱
- ۱۳ - محیی الدین بن عربی ۹۱
- ۱۴ - مؤمن بن حسن شبلنجی شافعی (متوفای ۱۲۹۸هـ) ۹۱
- ۱۵ - ابوالولید محمد بن شحنه حنفی ۹۲
- ۱۶ - شیخ محمد بن علی صبان شافعی ۹۲
- ۱۷ - شیخ صفی الدین عبدالمؤمن بغدادی (متوفای ۷۳۹هـ) ۹۳
- ۱۸ - شیخ زین الدین عمر بن وردی (متوفای ۷۴۹هـ) ۹۳
- ۱۹ - ابوالعباس احمد بن علی قلقشندی شافعی ۹۳
- ۲۰ - ابو عبدالله یاقوت حموی ۹۴
- ۲۱ - محمد امین بغدادی معروف به سویدی ۹۴
- ۲۲ - ابن خلدون مغربی (متوفای ۸۰۸هـ) ۹۴
- ۲۳ - ابوالفتح محمد بن عبدالکریم شهرستانی (متوفای ۵۴۸هـ) ۹۴
- ۲۴ - نور الدین ابن صباغ مالکی ۹۵

- ۲۵ - محمد بن محمود بخاری معروف به خواجه پارسا حنفی ۹۵
- ۲۶ - ملاعلی قاری حنفی مکی (متوفای ۱۰۱۴هـ) ۹۶
- ۲۷ - فضل بن روز بهان ۹۶
- ۲۸ - جمال الدین محمد بن یوسف زرنندی حنفی (متوفای ۳۲۷۵هـ) ۹۶
- ۲۹ - قاضی بهلول بهجت افندی ۹۷
- ۳۰ - حافظ محمد بن یوسف گنجی شافعی (متوفای ۶۵۸هـ) ۹۷
- ۳۱ - احمد امین مصری ۹۷
- ۳۲ - شیخ حسین بن محمد دیار بکری مالکی (متوفای ۹۶۶هـ) ۹۸
- ۳۳ - شمس الدین ذهیبی شافعی (متوفای ۷۴۸هـ) ۹۸
- ۳۴ - فخر رازی شافعی ۹۹
- ۳۵ - علامه نسابه سید محمد بن حسین حسینی سمرقندی مدنی (متوفای ۹۹۶هـ) ۱۰۰
- ۳۶ - شریف انس کُتبی حسنی ۱۰۰
- ۳۷ - شیخ عبدالله بن محمد شبرای مصری شافعی (متوفای ۱۱۷۲هـ) ۱۰۱
- ۳۸ - ابن عماد دمشقی حنبلی (متوفای ۱۰۸۹هـ) ۱۰۲
- ۳۹ - جمال الدین احمد بن علی حسینی معروف به ابن عنیه (متوفای ۸۲۸هـ) ۱۰۲
- ۴۰ - محمد بن عبدالرسول برزنجی شافعی (متوفای ۱۱۰۳هـ) ۱۰۳
- ۴۱ - ابو البرکات نعمان بن محمود آلوسی حنفی (متوفای ۱۳۱۷هـ) ۱۰۳
- کسانی که مهدی را همان موعود جهانی می دانند ۱۰۳
- کسانی که مهدی را همان موعود جهانی می دانند ۱۰۳
- ۱ - حافظ محمد بن یوسف گنجی شافعی (متوفای ۶۵۸هـ) ۱۰۴
- ۲ - عارف عبدالوهاب شعرانی حنفی ۱۰۴
- ۳ - شیخ سلیمان قندوزی حنفی (متوفای ۱۲۹۴هـ) ۱۰۴
- ۴ - شیخ نور الدین عبدالرحمن جامی حنفی (متوفای ۸۹۸هـ) ۱۰۵
- ۵ - شیخ الاسلام صدر الدین حموبینی ۱۰۵
- ۶ - شیخ فرید الدین عطار نیشابوری ۱۰۵
- ۷ - جلال الدین بلخی رومی معروف به مولوی (متوفای ۶۷۲هـ) ۱۰۶

۸ - ابوالمعالی صدر الدین قونوی ۱۰۶

۹ - احمد بن یوسف ابوالعباس قرمانی حنفی (متوفای ۱۰۱۹ هـ) ۱۰۶

سلسله کتب چاپ شده از مؤلف پیرامون مهدویت ۱۰۹

فهرست منشورات مسجد مقدس جمکران ۱۱۲

درباره مرکز ۱۲۳

سرشناسه: رضوانی علی اصغر، ۱۳۴۱

عنوان و نام پدیدآور: تولد حضرت مهدی (علیه السلام)/ مولف علی اصغر رضوانی.

مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۵

مشخصات ظاهری: ۹۶ ص.

فروست: سلسله مباحث مهدویت.

شابک: ۴۰۰۰ ریال ۹۶۴-۹۷۳-۰۱۷-۶؛ ۷۰۰۰ ریال (چاپ دوم)

وضعیت فهرست نویسی: فایا

یادداشت: چاپ دوم: زمستان ۱۳۸۵.

یادداشت: چاپ پنجم: ۱۳۸۷.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس.

موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -- میلاد

موضوع: مهدویت -- انتظار

شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم)

رده بندی کنگره: BP۵۱/۳۵/۶ت ۹ ۱۳۸۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۵-۲۰۵۱۲

ص: ۱

در عصر کنونی که دشمنان بشریت، افکار و عقاید انحرافی را در جامعه جهانی ترویج می کنند و منجی موعود واقعی را برای حیات و قدرت پوشالی و کاخ عنکبوتی خود خطرناک می دانند، درصدد ایجاد انحراف فرهنگی برآمده اند و با پوچ گرایی، جامعه بشری و اخلاق و رفتار نیکو را مورد تعرض قرار داده اند، برآن شدیم تا حقیقت مهدویت را با سلسله مباحث مختصر منجی موعود برای مشتاقان علم و فضیلت عرضه نماییم.

امید است مورد توجه حضرت حقّ جلّ و علا قرار گیرد.

مدیر مسؤول انتشارات مسجد مقدّس جمکران حسین احمدی

چگونگی ولادت حضرت مهدی علیه السلام

حکیمه دختر امام جواد علیه السلام گوید: امام حسن عسکری علیه السلام مرا به نزد خود فراخواند و فرمود: ای عمّه! امشب افطار نزد ما باش که شب نیمه شعبان است و خدای تعالی امشب حجت خود را که حجت او در روی زمین است ظاهر سازد. گوید: گفتم: مادر او کیست؟ فرمود: نرجس، گفتم: فدای شما شوم اثری در او نیست، فرمود: همین است که به تو می گویم، گوید آمدم و چون سلام کردم و نشستم نرجس آمد کفش مرا بردارد و گفت: ای بانوی من و بانوی خاندانم حالتان چگونه است؟ گفتم: تو بانوی من و خاندان من هستی، گوید: از کلام من ناخرسند شد و گفت: ای عمّه جان! این چه فرمایشی است؟ گوید: بدو گفتم: ای دختر جان! خدای تعالی امشب به تو فرزندی عطا فرماید که در دنیا و آخرت آفاست، گوید: نرجس خجالت کشید و استحیا نمود.

و چون از نماز عشا فارغ شدم افطار کردم و در بستر خود قرار گرفته و خوابیدم و در دل شب برای ادای نماز برخاستم و آن را به جای آوردم در حالی که نرجس خوابیده بود و رخدادی برای وی نبود، سپس برای تعقیبات نشستم و پس از آن نیز دراز کشیدم و هراسان بیدار شدم و او هم چنان خواب بود سپس برخاست و نماز گزارد و خوابید.

حکیمه گوید: بیرون آمدم و در جست و جوی فجر به آسمان نگریستم و دیدم فجر اوّل دمیده است و او در خواب است، شک بر دلم عارض گردید ناگاه ابومحمدعلیه السلام از محلّ خود فریاد زد ای عمّه! شتاب مکن! که اینجا کار نزدیک شده است. گوید: نشستم و به قراءت سوره الم سجده و سوره یس پرداختم و در این اثنا او هراسان بیدار شد و من به نزد او پریدم و بدو گفتم: اسم الله بر تو باد آیا چیزی را احساس می کنی؟ گفت: ای عمّه! آری، گفتم: خودت را جمع کن و دلت را استوار دار که همان است که با تو گفتم. حکیمه گوید: مرا و نرجس را ضعفی فرا گرفت و به آواز سرورم به خود آمدم و جامه را از روی او برداشتم و ناگهان سرور خود را دیدم که در حال سجده است و مواضع سجودش بر زمین است او را در آغوش گرفتم دیدم پاک و نظیف است. ابومحمدعلیه السلام فریاد برآورد که ای عمّه! فرزندم را به نزد من آور! او را نزد وی بردم و او دو کف دستش را گشود و فرزند را در میان آن قرار داد و دو پای او را بر سینه خود نهاد سپس زبانش را در دهان او گذاشت و دستش را بر چشمان و گوش و مفاصل وی کشید، سپس فرمود: ای فرزندم! سخن گوی، گفت: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: ای عمّه فرستاد تا آن که بر پدرش رسید و زبان در کشید.

سپس ابومحمدعلیه السلام فرمود: ای عمّه! او را به نزد مادرش ببر تا بر او سلام کند آن گاه به نزد من آور، پس او را بردم و بر مادر سلام کرد و او را باز گردانیده و در مجلس نهادم سپس فرمود: ای عمّه! چون روز هفتم فرار رسید نزد ما بیا.

حکیمه گوید: چون صبح شد آمدم تا بر ابو محمد علیه السلام سلام کنم و پرده را کنار زدم تا از سرورم تفقدی کنم، او را ندیدم، گفتم: فدای شما شوم سرورم چه می کند؟ فرمود: ای عمّه! او را به آن کسی سپردم که مادر موسی موسی را به وی سپرد.

حکیمه گوید: چون روز هفتم فرا رسید آمدم و سلام کردم و نشستم فرمود: فرزندم را به نزد من آور! و من سرورم را آوردم و او در خرقه ای بود و با او همان کرد که اول بار کرده بود، سپس زبانش را در دهان او گذاشت و گویا شیر و عسل به وی می داد، سپس فرمود: ای فرزندم! سخن گوی! و او گفت: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و درود بر محمد و امیر المؤمنین و ائمه طاهرین فرستاد تا آن که بر پدرش رسید، سپس این آیه را تلاوت فرمود: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ و ما اراده می کنیم که بر مستضعفان زمین منت نهاده و آنان را ائمه و وارثین قرار دهیم و آنان را متمکن در زمین ساخته و به فرعون و هامان و لشکریان آن ها آنچه که از آن بر حذر بودند بنمایانیم.

موسی بن محمد راوی این روایت گوید از عقبه خادم از این قضیه پرسش کردم، گفت: حکیمه راست گفته است. (۱)

محمد بن عبدالله گوید: پس از درگذشت ابو محمد علیه السلام به نزد حکیمه دختر امام جواد علیه السلام رفتم تا در موضوع حجّت و اختلاف مردم و حیرت آن ها درباره او پرسش کنم. گفت: بنشین، و من نشستم، سپس گفت: ای محمد! خدای تعالی زمین را از حجّتی ناطق و یا صامت خالی نمی گذارد و آن را پس از حسن

ص: ۱۳

و حسین علیهما السلام در دو برادر نهاده است و این شرافت را مخصوص حسن و حسین علیهما السلام ساخته برای آن ها عدیل و نظیری در روی زمین قرار نداده است جز این که خدای تعالی فرزندان حسین را بر فرزندان حسن علیهما السلام برتری داده، هم چنان که فرزندان هارون را بر فرزندان موسی به فضل نبوت برتری داد، گرچه موسی حجّت بر هارون بود، ولی فضل نبوت تا روز قیامت در اولاد هارون است و به ناچار بایستی امت یک سرگردانی و امتحانی داشته باشند تا مبطلان از مخلصان جدا شوند و از برای مردم بر خداوند حجّتی نباشد و اکنون پس از وفات امام حسن عسکری علیه السلام دوره حیرت فرا رسیده است.

گفتم: ای بانوی من! آیا از برای امام حسن علیه السلام فرزندی بود؟ تبسمی کرد و گفت: اگر امام حسن علیه السلام فرزندی نداشت پس امام پس از وی کیست؟ با آن که تو را گفتم که امامت پس از حسن و حسین علیه السلام در دو برادر نباشد. گفتم: ای بانوی من! ولادت و غیبت مولایم علیه السلام را برایم بازگو. گفت: آری، کنیزی داشتم که بدو نرجس می گفتند، برادر زاده ام به دیدارم آمد و به او نیک نظر کرد، بدو گفتم: ای آقای من! دوستش داری او را به نزدت بفرستم؟ فرمود: نه عمّه جان! اما از او در شگفتم! گفتم: شگفتی شما از چیست؟ فرمود: به زودی فرزندی از وی پدید آید که نزد خدای تعالی گرامی است و خداوند به واسطه او زمین را از عدل و داد آکنده سازد، همچنان که پر از ظلم و جور شده باشد، گفتم: ای آقای من! آیا او را به نزد شما بفرستم؟ فرمود: از پدرم در این باره کسب اجازه کن، گوید: جامه پوشیدم و به منزل امام هادی علیه السلام در آمدم، سلام کردم و نشستم و او خود آغاز سخن فرمود و گفت: ای حکیمه! نرجس را نزد فرزندم ابی محمّد

بفرست، گوید: گفتم: ای آقای من! بدین منظور خدمت شما رسیدم که در این باره کسب اجازه کنم، فرمود: ای مبارکه! خدای تعالی دوست دارد که تو را در پاداش این کار شریک کند و بهره ای از خیر برای تو قرار دهد، حکیمه گوید: بی درنگ به منزل برگشتم و نرجس را آراستم و در اختیار ابو محمد قرار دادم و پیوند آن ها را در منزل خود برقرار کردم و چند روزی نزد من بود سپس نزد پدرش رفت و او را نیز همراهش روانه کردم.

حکیمه گوید: امام هادی علیه السلام در گذشت و ابو محمد بر جای پدر نشست و من همچنان که به دیدار پدرش می رفتم به دیدار او نیز می رفتم. یک روز نرجس آمد تا کفش مرا بگیرد و گفت: ای بانوی من کفش خود را به من ده! گفتم: بلکه تو سرور و بانوی منی، به خدا سوگند که کفش خود را به تو نمی دهم تا آن را برگیری و اجازه نمی دهم که مرا خدمت کنی، بلکه من به روی چشم تو را خدمت می کنم. ابو محمد علیه السلام این سخن را شنید و گفت: ای عمّه! خدا به تو جزای خیر دهد و تا هنگام غروب آفتاب نزد امام نشستم و به آن جاریه بانگ می زدم که لباسم را بیاور تا بازگردم! امام می فرمود: خیر، ای عمّه جان! امشب را نزد ما باش که امشب آن مولودی که نزد خدای تعالی گرامی است و خداوند به واسطه او زمین را پس از مردنش زنده می کند متولد می شود، گفتم: ای سرورم! از چه کسی متولد می شود و من در نرجس آثار بارداری نمی بینم. فرمود: از همان نرجس نه از دیگری. حکیمه گوید: به نزد او رفتم و پشت و شکم او را واریسی کردم و آثار بارداری در او ندیدم، به نزد امام برگشتم و کار خود را بدو گزارش کردم، تبسمی فرمود و گفت: در هنگام فجر آثار بارداری

برایت نمودار خواهد گردید، زیرا مثل او مثل مادر موسی علیه السلام است که آثار بارداری در او ظاهر نگردید و کسی تا وقت ولادتش از آن آگاه نشد، زیرا فرعون در جست و جوی موسی، شکم زنان باردار را می شکافت و این نظیر موسی علیه السلام است.

حکیمه گوید: به نزد نرجس برگشتم و گفتار امام را بدو گفتم و از حالش پرسش کردم، گفت: ای بانوی من! در خود چیزی از آن نمی بینم، حکیمه گوید: تا طلوع فجر مراقب او بودم و او پیش روی من خوابیده بود و از این پهلو به آن پهلو نمی رفت تا چون آخر شب و هنگام طلوع فجر فرا رسید هراسان از جا جست و او را در آغوش گرفتم و بدو «اسم الله» می خواندم، ابومحمّد علیه السلام بانگ برآورده و فرمود: سوره *إِنَّا أَنْزَلْنَا* بر او بخوان! و من بدان آغاز کردم و گفتم: حالت چون است؟ گفت: امری که مولایم خبر داد در من نمایان شده است و من همچنان که فرموده بود بر او می خواندم و جنین در شکم به من پاسخ داد و مانند من قرائت کرد و بر من سلام نمود.

حکیمه گوید: من از آنچه شنیدم هراسان شدم و ابومحمّد علیه السلام بانگ برآورد: از امر خدای تعالی در شگفت مباش، خدای تعالی ما را در خُردی به سخن در آورَد و در بزرگی حجت خود در زمین قرار دهد و هنوز سخن او تمام نشده بود که نرجس از دیدگانم نمان شد و او را ندیدم گویا پرده ای بین من و او افتاده بود و فریاد کنان به نزد ابومحمّد علیه السلام دویدم، فرمود: ای عمّه! برگرد، او را در مکان خود خواهی یافت.

گوید: باز گشتم و طولی نکشید که پرده ای که بین ما بود برداشته شد و دیدم

نوری نرجس را فرا گرفته است و توان دیدن آن را ندارم و آن کودک علیه السلام را دیدم که روی به سجده نهاده و دو زانو بر زمین نهاده است و دو انگشت سبابه خود را بلند کرده و می گوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ (وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ) وَأَنَّ جَدِّي مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَأَنَّ أَبِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ»، سپس امامان را یکایک برشمرد تا به خودش رسید، سپس فرمود: بارالها! آنچه به من وعده فرمودی به جای آر، و کار مرا به انجام رسان و گامم را استوار ساز و زمین را به واسطه من پر از عدل و داد گردان. ابومحمد علیه السلام بانگ برآورد و فرمود: ای عمه، او را بیاور و به من برسان. او را برگرفتم و به جانب او بردم، و چون او در میان دو دست من بود و مقابل او قرار گرفتم بر پدر خود سلام کرد و امام حسن علیه السلام او را از من گرفت و زبان خود در دهان او گذاشت و او از آن نوشید، سپس فرمود: او را به نزد مادرش ببر تا بدو شیر دهد، آن گاه به نزد من بازگردان. و او را به مادرش رسانیدم و بدو شیر داد و بعد از آن او را به ابو محمد علیه السلام باز گردانیدم در حالی که پرندگان در بالای سرش در طیران بودند، به یکی از آن ها بانگ برآورد و گفت: او را بگیر و نگاهدار و هر چهل روز یک بار به نزد ما بازگردان و آن پرنده او را برگرفت و به آسمان برد و پرندگان دیگر نیز به دنبال او بودند، شنیدم که ابومحمد علیه السلام می گفت: تو را به خدایی سپردم که مادر موسی موسی را سپرد، آن گاه نرگس گریست و امام بدو فرمود: خاموش باش که بر او شیر خوردن جز از سینه تو حرام است و به زودی نزد تو بازگردد همچنان که موسی به مادرش باز گردانیده شد و این قول خدای تعالی است که «فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ». حکیمه گوید: «گفتم: این پرنده چه بود؟ فرمود: این روح

القدس است که بر ائمه علیهم السلام گمارده شده است، آنان را موفق و مسدد می دارد و به آن ها علم می آموزد.

حکیمه گوید: پس از چهل روز آن کودک بر گردانیده شد و برادر زاده ام به دنبال من کس فرستاد و مرا فراخواند و بر او وارد شدم و به ناگاه دیدم که همان کودک است که مقابل او راه می رود. گفتم: ای آقای من! آیا این کودک دو ساله نیست؟ تبسمی فرمود و گفت: اولاد انبیا و اوصیا اگر امام باشند به خلاف دیگران نشو و نما کنند و کودک یک ماهه ما به مانند کودک یک ساله باشد و کودک ما در رحم مادرش سخن گوید و قرآن تلاوت کند و خدای تعالی را بپرستد و هنگام شیرخوارگی ملائکه او را فرمان برند و صبح و شام بر وی فرود آیند.

حکیمه گوید: پیوسته آن کودک را چهل روز یکبار می دیدم تا آن که چند روز پیش از درگذشت ابومحمدعلیه السلام او را دیدم که مردی بود و او را نشناختم و به برادرزاده ام گفتم: این مردی که فرمان می دهی در مقابل او بنشینم کیست؟ فرمود: این پسر نرجس است و این جانشین پس از من است و به زودی مرا از دست می دهید پس بدو گوش فرادار و فرمانش ببر.

حکیمه گوید: پس از چند روز ابومحمدعلیه السلام درگذشت و مردم چنان که می بینی پراکنده شدند و به خدا سوگند که من هر صبح و شام او را می بینم و مرا از آنچه می پرسید آگاه می کند و من نیز شما را مطلع می کنم و به خدا سوگند که گاهی می خواهم از او پرسشی کنم و او نپرسیده پاسخ می دهد و گاهی امری بر من وارد می شود و همان ساعت پرسش نکرده از ناحیه او

جوابش صادر می شود. شب گذشته مرا از آمدن تو باخبر ساخت و فرمود: تو را از حقّ خبردار سازم.

محمّد بن عبدالله راوی حدیث گوید: به خدا سوگند حکیمه اموری را به من خبر داد که جز خدای تعالی کسی بر آن مطلع نیست و دانستم که آن صدق و عدل و از جانب خدای تعالی است، زیرا خدای تعالی او را به اموری آگاه کرده است که هیچ یک از خلائق را بر آن ها آگاه نکرده است. (۱)

مبنای مؤلفان حدیثی مصادر مهدویت

برخی می گویند: «معروف نزد قدما چنین بوده که هر روایتی در مسائل تاریخی و از آن جمله موضوع مهدویت را بدون بررسی سند آن نقل می کردند. ولی بعد از آن عصر، حرکت جدیدی پدید آمد و بین روایات تمیز داده شد، تا زمانی که حرکت اصولیین پدید آمد و اخبار را به دسته های مختلف از قبیل: صحیح، حسن، قوی و ضعیف تقسیم نمودند، ولی این پیشرفت و حرکت شامل روایت های تاریخی که از آن جمله روایات مهدویت است، نگردید ...» (۲)

در پاسخ آنان می گوئیم:

۱ - آنچه از قدمای محدثین امامیه می دانیم آن است که آنان نهایت سعی و کوشش و احتیاط خود را در جمع و نقل احادیث در کتب خود داشته اند، که از آن جمله کلینی رحمه الله است. او نزد اهل فن حدیث، معروف به دقت نظر و احتیاط در نقل اخبار است. و نیز می دانیم که بزرگان امثال شیخ طوسی رحمه الله چه اهتمام

ص: ۱۹

۱- ۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۱۴۷ - ۱۵۴.

۲- ۳. تطور الفكر السياسي، ص ۲۰۹.

وافری به شناخت شیوخ روایی خود داشته اند. شخصی مثل شیخ صدوق رحمه الله عادتاً شیوخ خود را می شناخته و نیز از حالات آنان از ایمان و عدالت آگاهی داشته است، و از کسی که او را نمی شناخته روایت نقل نمی کرده است.

۲ - ما اطمینان داریم که این بزرگان به صحت این گونه روایات که در باب امامت و مهدویت وارد شده اطمینان کامل داشته اند، و یا لااقل به جهت برخی قراین معتبر که همراه آن ها بوده و موجب جبران ضعف برخی از آن ها می شده، آن ها را با اطمینان کامل نقل می کردند. و گرنه جای این سؤال باقی است که امثال شیخ صدوق و طوسی و دیگران چه اهدافی غیر از احتجاج و استدلال به آن ها، داشته اند. مگر این نیست که شیخ صدوق کتابش را برای رفع حیرت در امر حضرت مهدی علیه السلام نوشته است؟

۳ - تمام یا بیشتر اصول و منابع اصلی احادیث مهدویت که در سه قرن اول نوشته شده به دست شیخ صدوق، طوسی و نعمانی رسیده و از خود به آن کتاب ها استناد داشته اند، و لذا به آن روایات استدلال می نمودند.

۴ - گرچه تقسیم حدیث به چهار قسم از اصطلاحات متأخرین است ولی قدمای محدثین از آن جمله شیخ طوسی رحمه الله روش خاصی در قبول خبر داشته اند.

شیخ بهایی بعد از تقسیم حدیث به چهار قسم معروف، می گوید: «این اصطلاح نزد قدمای معروف نبوده بلکه آنان حدیث صحیح را به حدیثی اطلاق می کردند که مقرون به قراین مورد وثوق و اطمینان باشد. و این قراین انواعی دارد:

الف. وجود حدیث در اصول ۴۰۰ گانه حدیثی که نزد راویان مشهور بوده است.

ب. تکرار حدیث در یک یا دو اصل یا بیشتر از این اصول با سندهای متعدد و معتبر.

ج. وجود حدیث در اصلی که انتسابش به یکی از اصحاب ائمه ثابت و اجماع اصحاب بر صدق او بوده است.

د. وجود حدیث در یکی از کتبی که بر ائمه عرضه شده و آن حضرات، مصنف آن کتب را تمجید نمودند، از قبیل کتاب: عیدالله بن علی حلبی که بر امام صادق علیه السلام عرضه شد. (۱)

ه. وجود حدیث در کتبی که نزد قداما مورد وثوق و اطمینان بوده است. (۲)

۵ - علمای رجال، مجهول را بر دو نوع تقسیم کرده اند:

الف. مجهول اصطلاحی: و آن به کسی اطلاق می شود که تصریح به جهالت او از سوی رجالین شده باشد.

ب. مجهول لغوی: و آن به کسی اطلاق می شود که وضعیت او معلوم نیست و لذا در کتب رجال از او یادی به میان نیامده است. تنها قسم اول از جهالت است که موجب ضعف راوی است، و در مورد دوم احتیاج به بررسی دقیق دارد که سبب مطرح نشدن او در کتب رجال چیست؟ گاه ممکن است به جهت معروف بودنش درباره او سکوت کرده اند. (۳)

ص: ۲۱

۱-۴. رجال نجاشی، ص ۲۳۰.

۲-۵. وسائل الشیعه، ج ۳۰، ص ۱۹۷ و ۱۹۸.

۳-۶. الرواشح، میرداماد، ص ۶۰ و ۶۱.

۶- احتمالی نیز وجود دارد که بنای قدما بر تمسک به «اصاله الصدق و العداله» باشد. یعنی اصل اولی بر صدق و عدالت راوی است مگر آن که خلاف آن ثابت شود. و مقصود به آن، همان اصل عدم و یا استصحاب عدم فسق است. به همین جهت است که ما احتیاجی به اثبات عدالت - خواه به معنای ملکه یا حسن ظاهر - نداریم؛ زیرا احراز آن مستلزم تعطیل امور و تزییع بسیاری از مصالح است. کمتر کسی است که بتوان عدالت او را به اثبات رسانید. این مطلب مورد تأیید عقلا نیز هست.

۷- برای اثبات اعتبار روایات نباید تنها اعتبار سندی را مطرح ساخت، بلکه باید به همه راه ها و اسباب اعتبار شخص توجه کرد و در نظر داشت که مبنای بسیاری از عالمان شیعه، بلکه اکثریت قریب به اتفاق آنان، حجیت خبر موثوق^۱ به است؛ یعنی خبری که از طرق مختلف به آن اطمینان و وثوق حاصل شود.

نسبت ضعف به احادیث ولادت

برخی می گویند: «... مؤلفان در مورد ولادت حضرت مهدی علیه السلام به هر روایتی تمسک کرده اند در حالی که خود به ضعف سند آن ها پی برده اند ...» (۱).

در پاسخ آنان می گوئیم:

۱- احادیث مربوط به ولادت حضرت مهدی علیه السلام به جهت وجود برخی از سندهای صحیح در میان آن ها کافی است که سند روایات دیگر که از ضعف

ص: ۲۲

برخوردارند، تقویت کند، و این مسلکی است که مورد قبول محدثین شیعه و اهل سنت واقع شده است. (۱)

۲- احادیثی که درباره مسائل مسلم اعتقادی و کلامی است از آن جهت که نزد شیعه ثابت بوده و به تأیید قطعی عقل نیز رسیده است، راویان آن مورد جرح و تعدیل قرار نگرفته اند، و به طور کلی احتیاجی به آن نبوده است، که از آن جمله می توان به احادیث مهدویت اشاره کرد.

۳- احادیث ولادت حضرت مهدی علیه السلام که به دلالت مطابقی یا تضمینی یا التزامی دلالت بر ولادت حضرت دارد از حد لازم تواتر فراتر رفته است، لذا به جهت آن که مفید یقین است احتیاج به بررسی سندی ندارد. خبر متواتر، نقل جماعت کثیری است که اتفاق شان بر دروغ، محال است. و می دانیم که در خبر متواتر لازم نیست که هر یک از راویان حدیث از ثقات و عدول باشند، بلکه می توان از راه تراکم احتمالات به یقین رسید.

۴- شخص متتبع بعد از ملاحظه وضع سیاسی عصر امام عسکری علیه السلام و قبل و بعد از آن پی می برد که یکی از عوامل جهالت حال راویان احادیث ولادت حضرت مهدی علیه السلام همان فشارهای سیاسی بوده که از طریق حاکمان ظلم و جور بر شیعیان وارد شده است، و لذا بسیاری از راویان، خود را با اسامی مستعار معرفی می کردند تا شناخته نشوند، خصوصاً با در نظر گرفتن اینکه برخی از راویان از مناطق دور به سامرا می آمده و در مورد حضرت سؤال می کردند و برای دیگران نقل می نمودند.

ص: ۲۳

عوامل مؤثر در حصول یقین به ولادت

از آنجا که اعتبار خبر متواتر به جهت حصول یقین است، در مورد موضوع ولادت امام مهدی علیه السلام عواملی چند در حصول یقین به این موضوع دخالت داشته است:

۱ - احادیثی که به دلالت مطابقی بر ولادت امام مهدی علیه السلام و بشارت به آن حضرت دلالت دارد. که مجموع آن ها به ۲۱۴ حدیث می رسد. (۱)

۲ - روایاتی که در مورد سال ولادت حضرت رسیده است. (۲)

۳ - روایاتی که در رابطه با خصوصیات فردی امام زمان علیه السلام وارد شده است. (۳)

۴ - روایاتی که نصّ بر امامت آن حضرت دارد. (۴)

۵ - توقیعاتی که از ناحیه مقدسه صادر شده است که عدد آن ها به ده ها توقیع می رسد، و در جای خود فهرستی از آن ها را آورده ایم.

۶ - تزییقات سیاسی که از ناحیه حکومت بنی العباس برای مواجهه و مقابله با حضرت و قتل ایشان گذاشته شده بود.

۷ - وجود چهار سفیر در عصر غیبت صغرا و ارتباط مردم با حضرت از طریق آن ها.

۸ - وکلای ناحیه مقدسه که در کشورها و شهرهای مختلف وجود داشته اند.

ص: ۲۴

۱- ۹. کمال الدین، ص ۴۰۷ - ۴۰۸ و ۴۲۴ - ۴۲۶ و ۴۳۰ - ۴۳۳ و ...

۲- ۱۰. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۴ و ۱۵ و ۱۷ و ۲۲.

۳- ۱۱. کمال الدین، ص ۴۷۵؛ الغیبه، طوسی، ص ۲۵۳ و ۲۵۵ و ۲۶۳ و ۲۶۶ و ۲۷۱ و ۲۹۸.

۴- ۱۲. کمال الدین، ص ۴۳۵.

۹ - عده زیادی که مشرف به لقا و رؤیت حضرت مهدی علیه السلام شده اند.

۱۰ - معجزاتی که از حضرت مهدی علیه السلام صادر شده و در کتاب ها مکتوب است.

۱۱ - اعتراف علمای انساب به ولادت فرزند امام عسکری علیه السلام.

۱۲ - اجماع و تبئی شیعه بر ولادت و وجود امام مهدی علیه السلام.

۱۳ - تصریح مورخان بر ولادت حضرت مهدی علیه السلام.

۱۴ - مدعیان سفارت دروغین از طرف امام زمان علیه السلام.

۱۵ - شهادت هر یک از معصومین علیهم السلام بر ولادت حضرت مهدی علیه السلام.

احادیث صحیح السند در مورد ولادت

در بین احادیثی که دلالت بر ولادت حضرت مهدی علیه السلام دارد پی به روایاتی می بریم که از سند صحیح یا حسن یا موثقی برخوردار است. اینک به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱ - کلینی به سند صحیح اعلائی از محمد بن عبدالله و محمد بن یحیی از عبدالله بن جعفر حمیری نقل می کند که فرمود: «اجتمعت أنا والشیخ أبو عمرو رحمه الله عند أحمد بن إسحاق فغمزنی أحمد بن إسحاق أن أسأله عن الخلف، فقلت له: یا أبا عمرو! إننی أرید أن أسألك عن شیء وما أنا بشاکک فیما أرید أن أسألك عنه، فإن اعتقادی و دینی أن الأرض لا تخلو من حجّه إلّا إذا كان قبل یوم القیامه بأربعین یوماً فإذا كان ذلك رفعت الحجّه وأغلق باب التوبه... ولکنی أحببت أن أزداد یقیناً. ثم قال: سل حاجتک؟ فقلت له: أنت رأیت الخلف من بعد أبی محمد علیه السلام فقال: أی واللّه ورقبته مثل ذا،

وأوماً بیده ...» (۱) «من و شیخ ابوعمر و عثمان بن سعید عمری - خدمت احمد ابن اسحاق بودیم. احمد بن اسحاق به من اشاره کرد تا از ابوعمر و درباره جانشین امام عسکری علیه السلام سؤال کنم. به ابوعمر و گفتم: از تو سؤال می پرسم که درباره آن شک ندارم، زیرا اعتقادم این است که زمین هیچ گاه از حجت خالی نمی ماند مگر چهل روز قبل از برپایی قیامت، که چون آن روز فرا رسد حجت برداشته و راه توبه بسته خواهد شد ... ولی من دوست دارم که بر یقینم افزوده شود ... سپس گفت خواسته ات را سؤال کن، سؤال این است که: آیا جانشین امام عسکری علیه السلام را دیده ای؟ ابوعمر و فرمود: آری به خدا سوگند، گردن او چنین بود، و با دست اشاره کرد ...». شیخ صدوق رحمه الله نیز این حدیث را با سند صحیح نقل کرده است. (۲)

۲- و نیز کلینی به سند صحیح از حسین بن علا نقل کرده که گفت: «قلت لأبی عبد الله علیه السلام: تكون الأرض لیس فیها إمام؟ قال: لا.» (۳) «به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا ممکن است که زمین بدون امام باشد؟ حضرت فرمود: هرگز.»

۳- و نیز به سندی دیگر که آن هم صحیح است از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «إنَّ الأرض لا تخلو إلا وفيها إمام.» (۴) «همانا زمین هرگز از وجود امام خالی نمی گردد.»

۴- و نیز به سند صحیح از حسن بن علی و شاء نقل می کنند که از امام رضا علیه السلام سؤال کردم: «هل تبقى الأرض بغير إمام؟ قال: لا. قلت: إننا نروى أنها لا تبقى إلا أن يسخط الله عزوجل على العباد. قال: لا تبقى إذا لساخت.» (۵)

ص: ۲۶

۱- ۱۳. کافی، ج ۱، ص ۳۲۹ و ۳۳۰، با تلخیص.

۲- ۱۴. کمال الدین، ص ۴۴۱.

۳- ۱۵. کافی، ج ۱، ص ۱۷۸، ح ۱.

۴- ۱۶. همان، ح ۲.

۵- ۱۷. همان، ص ۱۷۹، ح ۱۳.

«آیا زمین بدون امام باقی می ماند؟ حضرت فرمود: هرگز. عرض کردم: ما چنین روایت می کنیم که زمین از حجت خالی نمی ماند مگر آن که خداوند بر بندگانش غضب کند؟ حضرت فرمود: زمین «بدون حجت» باقی نمی ماند، و در غیر این صورت مضطرب می شود.»

۵- و نیز به سند صحیح از ابی هاشم جعفری نقل می کند که گفت: «قلت لأبي محمد عليه السلام: جلالتك تمنعني من مسألتك فتأذن لي أن أسألك؟ فقال: سل. قلت: يا سيدي! هل لك ولد؟ فقال: نعم. فقلت: فإن بك حدث فأين أسأل عنه. فقال: بالمدينة»؛^(۱) «به امام عسکری علیه السلام عرض کردم: جلالت شما مرا مانع شده تا مسأله ای را از شما سؤال کنم، آیا اجازه می دهید تا از شما بپرسم؟ حضرت فرمود: سؤال کن. عرض کردم: ای آقای من! آیا برای شما فرزندی هست؟ فرمود: آری. عرض کردم: اگر حادثه ای برای شما اتفاق افتاد، کجا از او سؤال کنم؟ فرمود: در مدینه.»

۶- و نیز به سند صحیح از محمد بن علی بن بلال نقل کرده که فرمود: «خرج إلي من أبي محمد قبل مضيه بستين يخبرني بالخلف من بعده ثم خرج إلي من قبل مضيه بثلاثه أيام يخبرني بالخلف من بعده»؛^(۲) «دو سال قبل از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام نامه ای از حضرت به دستم رسید که در آن خبر از جانشین آن حضرت داده بود. و نیز سه روز قبل از شهادتشان نامه ای دیگر رسید که باز خبر از جانشین بعد از خود دادند.»

۷- کلینی نیز به سند صحیح از زراره نقل می کند که از امام صادق علیه السلام

ص: ۲۷

۱- ۱۸. همان، ص ۳۲۸، ح ۲.

۲- ۱۹. همان، ح ۱.

شنیدم که فرمود: «إِنَّ لِلْغُلَامِ غَيْبَهُ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ. قَالَ قُلْتُ: وَلِمَ؟ قَالَ: يَخَافُ وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى بَطْنِهِ، ثُمَّ قَالَ: يَا زُرَّارَةُ! وَهُوَ الْمُنْتَظَرُ وَهُوَ الْهَدْيُ يَشْكُ فِي وِلَادَتِهِ»؛^(۱) «همانا برای آن کودک قبل از قیام غیبتی است. عرض کردم: برای چه؟ فرمود: به جهت خوف، و اشاره به شکم مبارک کرد. آن گاه فرمود: ای زراره! و او همان منتظری است که در ولادت او شک می شود ...».

۸- صدوق به سند تام از داوود بن قاسم جعفری نقل کرده که امام هادی علیه السلام می فرمود: «الخلف من بعدى الحسن، فكيف لكم بالخلف من بعد الخلف؟ فقلت: ولم جعلنى الله فداك؟ فقال: إنكم لا ترون شخصه ولا يحلّ لكم ذكره باسمه. فقلت: فكيف نذكره؟ فقال: قولوا الحجّه من آل محمّد عليهم السلام»؛^(۲) «جانشین بعد من فرزندم حسن است. پس چگونه است شما را نسبت به جانشین از بعد این جانشین؟ عرض کردم: چگونه، خداوند مرا فدای تو گرداند؟ فرمود: زیرا شما شخص او را نمی بینید، و برای شما حلال نیست که نام او را ببرید. عرض کردم: پس چگونه نام او را ببریم؟ فرمود: بگویید: حجت از آل محمّد علیهم السلام.»

خبر از ولادت امام مهدی علیه السلام

برخی می گویند: خبر ولادت حضرت مهدی علیه السلام تنها از حکیمه نقل شده است در حالی که این چنین نیست، بلکه عدّه زیادی از اصحاب امام

ص: ۲۸

۱- ۲۰. همان، ص ۳۳۷، ح ۵.

۲- ۲۱. کمال الدین، ص ۳۸۱، ح ۵؛ کافی، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۱۳.

عسکری علیه السلام و دیگران از ولادت امام زمان علیه السلام خیر داده اند، و برخی نیز آن حضرت را در غیبت صغرا یا کبرا دیده اند. اینک به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱ - ابوالفضل حسین بن حسن علوی می گوید: «دخلت علی أبي محمد الحسن بن علی علیهما السلام بسرّ من رأى فهتأت به بولاده ابنه القائم»؛^(۱) «بر امام عسکری علیه السلام در سامرا وارد شدم تا در ولادت صاحب الزمان علیه السلام به آن حضرت تهنیت بگویم.»

۲ - احمد بن محمد می گوید: «خرج عن أبي محمد علیه السلام حين قتل الزبيری: هذا جزاء من افتري علی الله تبارک و تعالی فی أولیائه زعم أنه يقتلنی و لیس لی عقب، فکیف رأى قدره الله عزوجلّ. وولد له وسمّاه م ح م د سنه ستّ و خمسين و مأتین»؛^(۲) «بعد از کشته شدن زبیری نامه ای از امام عسکری علیه السلام به دستم رسید که در آن نوشته شده بود: این جزای کسی است که بر خدا و اولیایش افترا ببندد، و گمان کند که می تواند بدون جانشین، مرا بکشد، و قدرت خدا را چگونه دیده است. آن گاه می گوید: فرزندی برای آن حضرت در سال ۲۵۵ زاییده شد که اسم ایشان را «محمد» گذاشت.»

۳ - ابو هاشم جعفری می گوید: «قلت لأبي محمد علیه السلام: جلالتك تمنعنی من مسألتك، فتأذن لی أن أسألك. فقال: سل! قلت: یا سیدی! هل لك ولد؟ فقال: نعم ...»؛^(۳) «به امام عسکری علیه السلام عرض کردم: «جلالت شما مانع از سؤال کردن من

ص: ۲۹

۱- ۲۲. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۷، ح ۲۴.

۲- ۲۳. همان، ص ۴، ح ۴.

۳- ۲۴. کافی، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۲.

است، آیا اجازه سؤال به من می دهید؟ حضرت فرمود: سؤال کن. عرض کردم: ای آقای من! آیا برای شما فرزندی است؟ فرمود: آری ...».

۴ - صدوق از نسیم، خادم امام عسکری علیه السلام نقل می کند: «قد دخلت علیه بعد مولده بلیله فعطست عنده فقال لی: یرحمک الله! قالت نسیم: فرحت بذلك، فقال لی: ألا أبشرك فی العطاس؟! فقلت: بلی یا مولای! فقال: هو أمان من الموت ثلاثة أيام»؛^(۱) «بر حضرت صاحب الزمان علیه السلام بعد از گذشت یک شب از ولادتش داخل شدم، نزد او عطسه کردم، حضرت فرمود: یرحمک الله. من از این جمله خوشحال شدم. آن گاه فرمود: آیا می خواهی تو را در عطسه بشارت دهم؟ عرض کردم: بلی ای مولای من. فرمود: عطسه تا سه روز انسان را از مرگ در امان می دارد.»

۵ - شیخ طوسی به سندش از نسیم و ماریه نقل کرده است: «لما خرج صاحب الزمان علیه السلام من بطن أمه سقط جائياً علی ركبته، رافعاً سبایته نحو السماء ثم عطس. فقال: الحمد لله رب العالمین وصلى الله علی محمد و آله عبداً... زعمت الظلمه أن حجّه الله داحضه ولو أذن لنا فی الکلام لزال الشک»؛^(۲) «هنگامی که صاحب الزمان علیه السلام از شکم مادرش بیرون آمد بر دو زانوی خود قرار گرفت، انگشت سبابه خود را به طرف آسمان اشاره کرد، سپس عطسه ای کرد و فرمود: «الحمد لله رب العالمین و صلى الله علی محمد و آله عبداً داخراً غیر مستکف و لامستکبر». آن گاه فرمود: ظالمان گمان کرده اند که حجّت خدا زایل خواهد شد، و اگر برای ما اذن در کلام داده شود به طور حتم شک زایل خواهد شد.»

ص: ۳۰

۱- ۲۵. کمال الدین، ص ۴۳۰، ح ۵.

۲- ۲۶. الغیبه، طوسی، ص ۲۴۵.

۶ - شیخ طوسی رحمه الله روایتی را از کامل بن ابراهیم مدنی و قصه ملاقات او با امام عسکری علیه السلام نقل کرده که در آن چنین آمده است: «فجاءت الريح فكشفت طرفه فإذا أنا بفتى كأنه فلقه قمر من أبناء أربع سنين أو مثلها، فقال لي: يا كامل بن ابراهيم! فاقشعررت من ذلك وألهمت أن قلت: لبيك يا سیدی! فقال: جئت إلى ولي الله وحجته وبابه تسأله هل يدخل الجنة إلا من عرف معرفتك؟ وقال بمقالتك؟ فقلت: ای واللّه»؛ (۱) «... بادی زد و پرده کنار رفت، ناگهان کودکی را به مانند پاره ماه با حدود چهار سال سن یا همین اندازه مشاهده کردم. به من فرمود: ای کامل بن ابراهیم! بدنم از این خطاب لرزید و الهام شدم که بگویم: لبيك ای آقای من! حضرت فرمود: تو نزد ولی خدا و حجت و باب او آمده ای تا از او سؤال کنی آیا به جز کسی که مثل معرفت تو را داشته و همانند تو می گوید داخل بهشت می شود؟ عرض کردم: آری ...».

۷ - عمرو اهوازی می گوید: «أرانی أبو محمد علیه السلام ابنه وقال هذا صاحبکم بعدی»؛ (۲) «امام عسکری علیه السلام فرزند خود را به من نشان داد و فرمود: این صاحب شما بعد از من است.»

شیخ حرّ عاملی رحمه الله می گوید: «کلینی و دیگران به سند هایشان نقل کرده اند که جماعت زیادی امام زمان علیه السلام را بعد از ولادتش ملاقات کردند که از آن جمله عبارتند از: محمد بن اسماعیل بن موسی بن جعفر، حکیمه دختر محمد بن علی عموی پدرش، ابوعلی بن مطهر، خادم ابراهیم بن عبده، ابو عبدالله

ص: ۳۱

۱- ۲۷. همان، ص ۲۴۷.

۲- ۲۸. الارشاد، ج ۲، ص ۳۴۸.

بن صالح، ابراهیم بن ادريس، جعفر بن علی عمویس، عمرو اهوازی، ظریف خادم، فارسی، مدائنی و دیگران» (۱).

۸ - معاویه بن حکیم و محمّد بن ایوب بن نوح و محمّد بن عثمان عمّری می گویند: «عرض علينا أبو محمد الحسن بن علی علیهما السلام ونحن فی منزله وكنّا أربعین رجلاً. فقال: هذا إمامكم من بعدی و خلیفتی علیکم أطيعوه ولا تتفرّقوا من بعدی ...»؛ (۲) «امام عسکری علیه السلام در منزل خود فرزندش را بر ما که چهل نفر بودیم عرضه داشت و فرمود: این امام شما بعد از من و جانشین من بر شماست، او را اطاعت کنید و بعد از من متفرّق نشوید ...».

خبر رسول خداصلی الله علیه وآله از ولادت

از ۱۰۷ حدیث شهادت به ولادت آن حضرت از ناحیه رسول خداصلی الله علیه وآله استفاده می شود.

ابن عباس از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل کرده که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَطَّلَعَ إِلَى الْأَرْضِ فَأَخْتَارَنِي مِنْهَا فَجَعَلَنِي نَبِيًّا، ثُمَّ أَطَّلَعَ الثَّانِيَةَ فَأَخْتَارَ مِنْهَا عَلِيًّا فَجَعَلَهُ إِمَامًا، ثُمَّ أَمَرَنِي أَنْ أَتَّخِذَهُ أَخًا وَوَلِيًّا وَوَصِيًّا وَخَلِيفَةً وَوَزِيرًا، فَعَلِيٌّ مِنِّي وَأَنَا مِنْ عَلِيٍّ وَهُوَ زَوْجُ ابْنَتِي وَأَبُو سَبْطِي الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ. أَلَا وَأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى جَعَلَنِي وَإِيَّاهُمْ حُجَجًا عَلَى عِبَادِهِ وَجَعَلَ مِنْ صَلْبِ الْحُسَيْنِ أُمَّةً يَقُومُونَ بِأَمْرِي وَيَحْفَظُونَ وَصِيَّتِي، التَّاسِعَ

ص: ۳۲

۱- ۲۹. اثبات الهداه، ج ۳، ص ۴۴۲.

۲- ۳۰. کمال الدین، ص ۴۳۵.

منهم قائم أهل بيتي ومهدى أمّتي، أشبه الناس بي شمائله وأقواله وأفعاله، يظهر بعد غيبه طويله وحيره مضله ...»؛^(۱) «خداوند تبارک و تعالی توجّهی بر زمین کرد و مرا انتخاب نمود و من را نسی قرار داد سپس بار دوم توجّهی کرد و علی را از روی زمین انتخاب نمود و او را امام قرار داد و مرا امر نمود که او را برادر و ولی و وصی و خلیفه و وزیر خود قرار دهم، پس علی از من و من از علی ام، او شوهر دختر من و پدر دو نوه ام حسن و حسین است. آگاه باشید! که خداوند تبارک و تعالی من و آنان را حجت هایی بر بندگانش قرار داده است. و از صلب حسین امامانی قرار داد که به امر من قیام کرده و وصیت مرا حفظ خواهند نمود. نهمین از آن ها قائم اهل بیت من و مهدی امّت من است. شبیه ترین مردم به من در شمایل و اقوال و افعال است. بعد از غیبت طولانی و حیرت گمراه کننده ظهور می کند ...».

خبر حضرت علی علیه السلام از ولادت

اصبغ بن نباته می گوید: «أُتيت أمير المؤمنين عليه السلام فوجدته متفكراً ينكت في الأرض، فقلت: يا أمير المؤمنين! مالي أراك متفكراً تنكت في الأرض، أ رغبة منك فيها؟ فقال: لا والله ما رغبْتُ فيها ولا في الدنيا يوماً قطّ، ولكنّي فكّرتُ في مولودٍ يكون من ظهري الحادي عشر من ولدي، وهو المهدىّ الذي يملأ الأرض عدلاً وقسطاً كما ملئت جوراً وظلماً، تكون له غيبه وحيره يضلّ فيها أقوام ويهتدى فيها آخرون ...»؛^(۲) «خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام رسیدم،

ص: ۳۳

۱- ۳۱. کمال الدین، ص ۲۵۷.

۲- ۳۲. کافی ج ۱، ص ۳۳۸، ح ۷؛ کمال الدین، ص ۲۸۹.

دیدم که در فکر فرو رفته و با چوب دستی بر زمین می زند. عرض کردم: ای امیرالمؤمنین! چه شده که شما را متفکر می بینم و چوب در زمین فرو می برید، آیا در آن رغبتی پیدا کرده اید؟ حضرت فرمود: نه به خدا سوگند، من حتی یک روز به زمین و دنیا رغبت ننمودم، ولی در مولودی فکر می کردم که از پشت من است، او یازدهمین فرد از اولاد من است. او مهدی ای است که زمین را پر از عدل خواهد کرد آن گونه که از جور و ظلم پر شده باشد. از برای او حیرت و غیبتی است که اقوامی در آن گمراه و گروهی نیز در آن هدایت می یابند...».

خبر امام حسن علیه السلام از ولادت

در حدیثی از امام حسن مجتبی علیه السلام روایت شده که فرمود: «الأئمة بعد رسول الله صلى الله عليه وآله اثني عشر من صلب أخي الحسين ومنهم مهدي هذه الأمة»؛^(۱) «امامان بعد از رسول خدا صلی الله علیه وآله دوازده نفرند، (نه نفر از آنان) از صلب برادرم حسین است، و از آنان مهدی این امت است.»

خبر امام حسین علیه السلام از ولادت

صدوق رحمه الله به سندش از امام حسین علیه السلام نقل کرده که فرمود: «في التاسع من ولدي سنه من يوسف وسنه من موسى بن عمران وهو قائمنا أهل البيت يصلح الله تبارك وتعالى أمره في ليلة واحدة»؛^(۲) «در نهمین از فرزندانم سنتی

ص: ۳۴

۱- ۳۳. بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۸۳، ح ۱.

۲- ۳۴. کمال الدین، ص ۳۱۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۳۲ و ۱۳۳.

از یوسف و سستی از موسی بن عمران علیه السلام است. او قائم ما اهل بیت است. خداوند متعال امر او را در یک شب اصلاح خواهد نمود.»

و نیز از آن حضرت روایت شده که فرمود: «قائم هذه الأمة هو التاسع من ولدی وهو صاحب الغیبه وهو الذی یقسم میراثه وهو حی»؛ (۱) «قائم این امت همان نهمین از فرزندان من است، و اوست صاحب غیبت. و اوست کسی که میراث او در حالی که زنده است تقسیم می شود.»

عبدالرحمن بن سلیط از امام حسین علیه السلام نقل کرده که فرمود: «ومنا اثنی عشر مهدیاً، أولهم أمير المؤمنين علی بن أبی طالب وآخرهم التاسع من ولدی وهو القائم بالحق، یحیی الله به الأرض بعد موتها ...»؛ (۲) «از ما دوازده مهدی است که اول آن ها امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و آخر آن ها نهمین از فرزندانم می باشد، و اوست امام قائم به حق که خداوند زمین را به واسطه او بعد از هلاکتش زنده خواهد گردانید ...».

خبر امام سجاده علیه السلام از ولادت

فرزند امام زین العابدین علیه السلام از حضرت سؤال کرد: «یا اَبه! ولِمَ سَمَّیْتَهُ الْبَاقِر؟ قال: فْتَبَسَّم وما رأیْتَهُ یَتَبَسَّم قَبْلَ ذَلِکَ ... ثم قال: یا بنی! إنَّ الإِمامه فی ولده إلی أن یقوم قائمنا علیه السلام فیملأها قسطاً وعدلاً، كما ملئت ظلماً وجوراً وأنه الإمام وأبو الأئمة، معدن الحلم وموضع العلم یبقره بقره بقره والله لهو أشبه

ص: ۳۵

۱- ۳۵. همان.

۲- ۳۶. همان.

الناس برسول الله صلى الله عليه وآله فقلت: فكم الأئمة بعده؟ قال: سبعة ومنهم المهدي الذي يقوم بالدين في آخر الزمان»؛^(۱) «ای پدر! چرا برادرم را باقر نامیدی؟ ایشان تبسمی فرمودند که من پیش از آن چنین ندیده بودم سپس حضرت فرمود: «ای فرزندم! همانا امامت در اولاد او خواهد بود تا قائم ما قیام کند و زمین را پر از عدل و داد نماید، همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد و اوست امام، پدر امامان، معدن حلم و موضع علم، علم را خواهد شکافت. به خدا سوگند! هر آینه او شبیه ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه وآله است. عرض کردم: امامان بعد از او چند نفرند؟ فرمود: «هفت نفر که از میان آن ها مهدی است که در آخر الزمان به دین قیام خواهد کرد.»

خبر امام باقر علیه السلام از ولادت

مسعودی در «اثبات الوصیه» به سند خود از علی بن ابی حمزه نقل کرده که فرمود: من با ابوبصیر بودم و با ما نیز یکی از موالیان امام باقر علیه السلام بود. او برای ما نقل کرد که از امام باقر علیه السلام شنیده که فرمود: «منا اثنی عشر محدثاً، السابع من ولدی القائم ...»؛^(۲) «از ما دوازده محدث است، هفتمین بعد از من قائم است ...».

خبر امام صادق علیه السلام از ولادت

صدوق به سندش در حدیث مفصّلی از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:

ص: ۳۶

۱- ۳۷. بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۸۸، ح ۳.

۲- ۳۸. اثبات الوصیه، ص ۲۸۳؛ بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۹۵، ح ۱۱.

«... ستقع بالسادس من ولدی وهو الثانی عشر من الأئمة الهداه بعد رسول الله صلى الله عليه وآله، أولهم أمير المؤمنين علي بن أبي طالب وآخرهم القائم بالحق بقيه الله في الأرض وصاحب الزمان...»؛^(۱) «... همانا زود است که ششمین فرزند من غایب شود، و او دوازدهمین نفر از امامان هدایت گر بعد از رسول خدا صلی الله علیه وآله است که اول آن ها امیرالمؤمنین و آخر آن ها قائم بحق بقیه الله در روی زمین و صاحب الزمان است...».

و نیز به سند خود از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «من أقرّ بجميع الأئمة وجحد المهدی کان کمن أقرّ بجميع الأنبياء وجحد محمداً صلی الله علیه وآله نبوته. فقيل له: یا بن رسول الله! فمن المهدی من ولدك؟ قال: الخامس من ولد السابع یغیب عنکم شخصه ولا یحلّ لکم تسميته»؛^(۲) «هر کس به جمیع ائمه اقرار کند ولی مهدی را انکار کند مثل کسی است که اقرار به جمیع انبیا کرده ولی محمداً صلی الله علیه وآله را انکار کرده است. به حضرت عرض شد: ای فرزند رسول خدا! چه کسی از فرزندان تو مهدی است؟ فرمود: پنجمین از اولاد هفتم، کسی که از شما غایب می شود و نام بردن او بر شما حلال نیست.»

و نیز در حدیثی از ابی بصیر نقل می کند که فرمود: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «ومن القائم منکم أهل البيت؟ فقال: یا أبابصیر! هو الخامس من ولد ابني موسى ذلك ابن سيده الإمام یغیب غیبه یرتاب فیها المبطلون ثم یظهره

ص: ۳۷

۱- ۳۹. کمال الدین، ص ۳۳؛ بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۷۹، ح ۸.

۲- ۴۰. کمال الدین، ص ۳۳۳، ح ۱.

اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَفْتَحُ عَلَيَّ يَدَهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا ...»^(۱) «ای فرزند رسول خدا! قائم از شما اهل بیت کیست؟ حضرت فرمود: ای ابابصیر! او پنجمین فرزند از اولاد فرزندانم موسی است، او فرزند بهترین زنان است، غیبتی دارد که در آن اهل باطل شک خواهند کرد، آن گاه خداوند عَزَّوَجَلَّ او را ظاهر کرده و به دست او مشرق ها و مغرب های زمین را فتح خواهد نمود ...».

خبر امام کاظم علیه السلام از ولادت

یونس بن عبدالرحمن می گوید: بر حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام وارد شدم و عرض کردم: «یابن رسول الله! أنت القائم بالحق؟! قال: أنا القائم بالحق ولكن القائم الذي يطهر الأرض من أعداء الله ويملاها عدلاً وقسطاً كما ملئت جوراً، هو الخامس من ولدي، له غيبه يطول أمدها ...»^(۲) «ای فرزند رسول خدا! آیا شما قائم به حقیقت؟ حضرت فرمود: من قائم به حقم، ولی قائمی که زمین را از دشمنان خدا پاک می کند و آن را از عدل و داد پر می نماید آن طوری که از جور پر شده باشد، پنجمین نفر از اولاد من است، برای او غیبتی است که مدت آن طولانی خواهد بود ...».

و نیز صدوق به سندش از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام نقل کرده که فرمود: «إذا فقد الخامس من ولد السابع فالله الله في أديانكم ...»^(۳) «هر گاه که پنجمین فرزند از فرزندان امام هفتم غایب شد خدا را خدا را در دین هایتان ...».

ص: ۳۸

۱- ۴۱. کمال الدین، ص ۳۴۵، ح ۳۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۴۶، ح ۱۴.

۲- ۴۲. اعلام الوری، ص ۴۳۳.

۳- ۴۳. کمال الدین، ص ۳۵۹، ح ۱.

حسين بن خالد در حدیثی می گوید: به امام رضاعليه السلام عرض شد: «... ومن القائم منكم أهل البيت؟ قال: الرابع من ولدی ابن سیده الإمام يطهر الله به الأرض من كل جور، ويقدرها من كل ظلم، وهو الذي يشك الناس في ولادته وهو صاحب الغيبة قبل خروجه»؛^(۱) «قائم از شما اهل بیت کیست؟ حضرت فرمود: «چهارمین از اولادم، فرزند بهترین زنان، خداوند به واسطه او زمین را از هر گونه ظلم و جور پاک و مقدس خواهد کرد. و او کسی است که مردم در ولادتش شک کنند، و او کسی است که قبل از خروجش غیبت خواهد نمود...».

دعبل خزاعی می گوید: قصیده ای را برای مولایم امام علی بن موسی الرضاعليه السلام انشاد کردم. هنگامی که به این اشعار رسیدم:

خروج إمام لا محاله واقع

يقوم على اسم الله و البركات

يميز فينا كل حق و باطل

و يجزي على النعماء و النقمات

«خروج امام به طور حتم واقع خواهد شد. او که بر اسم خدا و برکات قیام خواهد کرد. در بین ما هر حق و باطلی را تمییز خواهد داد. و بر نعمت ها و مصیبت ها جزا خواهد داد.»

«بکی الرضاعليه السلام بكاءً شديداً، ثم رفع رأسه إليّ، فقال لي: يا خزاعي! نطق روح القدس على لسانك بهذين البيتين فهل تدري من هذا الإمام ومتى يقوم؟ فقلت: لا يا مولاي إلا أنني سمعت بخروج إمام منكم يطهر الأرض من الفساد ويملاها عدلاً. فقال: يا دعبل! الإمام بعدى محمد ابني، وبعد محمد

ص: ۳۹

ابنه علی، وبعد علی ابنه الحسن، وبعد الحسن ابنه الحجة القائم المنتظر فی غیبه المطاع فی ظهوره ...»؛^(۱) «امام رضا علیه السلام گریه شدیدی کرد، پس سرش را به سوی من بلند کرد آن گاه فرمود: ای خزاعی! روح القدس بر زبان تو به نطق درآمد، آیا می دانی که این امام کیست؟ و کی قیام می کند؟ عرض کردم: خیر، ای مولای من جز آن که شنیده ام که امامی از شما خروج خواهد کرد و زمین را از فساد پاک خواهد نمود و پر از عدل و داد خواهد نمود. حضرت فرمود: همانا امام بعد از من فرزندم محمد است، و بعد از محمد فرزندش علی، و بعد از علی فرزندش حسن، و بعد از حسن فرزندش حجت قائم است، او کسی است که در غیبتش منتظر و در هنگام ظهورش مطاع خواهد بود ...».

خبر امام جواد علیه السلام از ولادت

در حدود ۹۰ حدیث از امام جواد علیه السلام اشاره به ولادت حضرت مهدی علیه السلام شده است.

صدوق به سندش از عبدالعظیم حسنی نقل کرده که فرمود: من بر محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام وارد شدم و می خواستم تا از قائم سؤال کنم که آیا او مهدی است یا شخص دیگر؟ حضرت در ابتدا فرمود: «یا ابا القاسم! إنَّ القائمَ منّا هو المهدیّ الّذی یجب أن ینتظر فی غیبه و یطاع فی ظهوره وهو الثالث من ولدی»؛^(۲) «ای ابا القاسم!

ص: ۴۰

۱- ۴۵. ینابیع الموده، ج ۳، ص ۳۰۹، ح ۱؛ بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۲۳۷.

۲- ۴۶. کمال الدین، ص ۳۷۷، ح ۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۵۶، ح ۱.

همانا قائم از ما مهدی است که واجب است در غیبت او به انتظار نشسته شود و در ظهورش اطاعت شود. و او سومین از اولاد من است.»

صدوق رحمه الله به سندش از صقر بن ابی دلف نقل کرده که از امام جواد علیه السلام شنیدم که می فرمود: «الإمام بعدی ابنی علی، أمره أمری وقوله قولی وطاعته طاعتی، والإمام بعده ابنه الحسن أمره أمر أبيه وقوله قول أبيه وطاعته طاعه أبيه. ثم سکت فقلت له: یا بن رسول الله! فمن الإمام بعد الحسن؟ فبکی علیه السلام بكاءً شديداً، ثم قال: إن من بعد الحسن ابنه القائم الحق المنتظر ...»؛^(۱) «امام بعد از من فرزندانم علی است، امر او امر من و قول او قول من و طاعت او طاعت من است. و امام بعد از او فرزندش حسن است. امر او امر پدرش، و قول او قول پدرش، و طاعت او طاعت پدرش می باشد. آن گاه ساکت شد. عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! امام بعد از حسن کیست؟ امام گریه شدیدی کرد، سپس فرمود: همانا بعد از حسن فرزندش قائم به حق منتظر است ...».

خبر امام هادی علیه السلام از ولادت

صقر بن ابی دلف می گوید: از امام هادی علیه السلام شنیدم که می فرمود: «الإمام بعدی الحسن وبعده الحسن ابنه القائم الذی یملا الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً»؛^(۲) «امام بعد از من حسن و بعد از حسن فرزندش قائم است، کسی که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد آن گونه که پر از ظلم و جور شده باشد.»

ص: ۴۱

۱- ۴۷. اعلام الوری، ص ۴۳۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۵۷، ح ۵.

۲- ۴۸. بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۲۳۹، ح ۳.

داوود بن قاسم جعفری می گوید: از امام ابوالحسن هادی علیه السلام شنیدم که می فرمود: «الخلف من بعدی الحسن، فکیف بکم بالخلف من بعد الخلف؟ فقلت: ولم؟ جعلنی الله فداک! فقال: إنکم لا ترون شخصه ولا یحلّ لکم ذکر اسمه ...»؛^(۱) «جانشین بعد از من فرزندم حسن است. پس چگونه است شما را به جانشین بعد از او؟ عرض کردم: چطور؟ خداوند مرا فدای تو گرداند! فرمود: زیرا شما شخص او را نمی بینید و نام بردن اسم او بر شما حلال نیست ...».

خبر امام عسکری علیه السلام از ولادت

در روایات زیادی از امام عسکری علیه السلام به این موضوع اشاره شده است:

موسی بن جعفر بن وهب بغدادی می گوید: از امام عسکری علیه السلام شنیدم که می فرمود: «کأنتی بکم وقد اختلفتم بعدی فی الخلف منی، أما أنّ المقرّ بالأئمّه بعد رسول الله المنکر لولدی کمن أقرّ بجميع أنبیاء الله ورسله ثم أنکر بنیوه محمّد رسول الله صلی الله علیه وآله ...»؛^(۲) «گویا شما را می بینم که بعد از من در جانشین من اختلاف خواهید نمود. آگاه باشید! همانا کسی که اقرار به امامان بعد از رسول خدا کند ولی منکر فرزندم باشد، همانند کسی است که اقرار به جمیع انبیا و رسولان داشته باشد ولی نبوت رسول خدا صلی الله علیه وآله را انکار کند ...».

عثمان بن سعید عمّری می گوید: از امام عسکری علیه السلام سؤال شد در حالی که من نزد او بودم درباره روایتی که از آباء او نقل شده که زمین خالی از حجت خدا بر خلقش تا روز قیامت نخواهد بود. و همانا کسی که بمیرد و امام زمان

ص: ۴۲

۱- ۴۹. کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۰۶.

۲- ۵۰. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۶۰، ح ۶.

خود را نشناخته باشد به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است؟ حضرت فرمود: «إِنَّ هَذَا حَقٌّ كَمَا أَنَّ النَّهَارَ حَقٌّ. فَقِيلَ لَهُ: يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ! فَمِنَ الْحَجَّةِ وَالْإِمَامِ بَعْدَكَ؟ فَقَالَ: ابْنِي مُحَمَّدٌ وَهُوَ الْإِمَامُ وَالْحَجَّةُ بَعْدِي، مِنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْهُ مَاتَ مِيتَةَ جَاهِلِيَةٍ...»؛^(۱) «این حق است، همان گونه که روز حق است. به حضرت عرض شد: ای فرزند رسول خدا! حجت و امام بعد از شما کیست؟ فرمود: فرزندم محمد امام و حجت بعد از من است. هر کس بمیرد در حالی که او را نشناخته باشد به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است ...»

احمد بن اسحاق می گوید: از امام حسن عسکری علیه السلام شنیدم که می فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى أُرَانِي الْخَلْفَ مِنْ بَعْدِي أَشْبَهَ النَّاسَ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَلْقًا وَخُلُقًا...»؛^(۲) «ستایش مخصوص خداوندی است که مرا از دنیا خارج نکرد تا اینکه جانشین بعد از مرا به من نشان داد. او شبیه ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله از حیث خلقت و اخلاق است ...».

تشخیص هویت حضرت مهدی علیه السلام

برخی می گویند: چرا امامان هویت حضرت مهدی علیه السلام را مشخص نکرده اند؟ در پاسخ آنان می گوئیم:

اولاً: تا آنجا که ممکن بود هر یک از معصومین علیهم السلام از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله گرفته تا امام عسکری علیه السلام درصدد تشخیص هویت حضرت مهدی علیه السلام برآمده اند، همان گونه که از روایات ذکر شده استفاده شد.

ص: ۴۳

۱- ۵۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۶۰، ح ۷.

۲- ۵۲. کمال الدین، ص ۴۰۸، ح ۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۶۱، ح ۹.

ثانیاً: همان گونه که از بسیاری روایات استفاده می شود موقعیت حضرت مهدی علیه السلام از جهت سیاسی بسیار خطیر بوده است، زیرا حاکمان ظلم و جور از آنجا که می دانستند او با ظلم و بی عدالتی در سطح گسترده مقابله می کند و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، لذا از ابتدا درصدد مقابله شدید با او برآمده بودند.

به همین جهت، اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام نیز با احتیاط تمام با نشر قضیه ولادت حضرت برخورد می کردند، تا از طرفی زمینه سازی اعتقاد ولادت آن حضرت را بیان کرده باشند و از طرف دیگر کاری نکنند که جان آن حضرت در خطر افتد.

وضعیت سیاسی عصر امام عسکری علیه السلام

امام عسکری علیه السلام در ماه ربیع الاول سال ۲۳۲ هجری متولد شد. او معاصر با حکومت سه نفر از حاکمان بنی عباس؛ یعنی معتز، مهتدی و معتمد بوده است. معتمد عباسی تعصب و کینه خاصی نسبت به اهل بیت علیهم السلام داشت. از جمله کارهای او این بود که بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام دستور داد خانه حضرت را تفتیش کرده، تا از وجود فرزند حضرت آگاه شود، و این به جهت سعایتی بود که جعفر به دستگاه حاکم کرده بود.

داوود بن اسود می گوید: امام عسکری علیه السلام عصایی به من داد و فرمود: این را به عمری برسان. در بین راه عصا شکست، ناگهان مشاهده کردم که در میان آن نامه ای است. خدمت امام که رسیدم جریان را بازگو کردم. حضرت فرمود:

«... وإذا سمعت لنا شاتماً فامض لسبيلك التي أمرت بها وإياك أن تجاوب من يشتمنا أو تعرفه من أنت، فأنا ببلد سوء ومصر سوء وامض في طريقك فإن أخبارك وأحوالك ترد إلينا فاعلم ذلك»؛^(۱) «هر گاه مشاهده کردی که کسی ما را دشنام می دهد تو به دنبال مأموریتی که فرستاده شدی برو، و مبادا درصدد پاسخ او بر آیی یا خودت را به او معرفی کنی، زیرا ما در بد شهری قرار داریم، تو به راه خودت ادامه بده، زیرا اخبار و احوال تو به ما می رسد، این را به خوبی بدان.»

و حتی مشاهده می کنیم که امام به اصحاب خود دستور می دهد تا هیچ کس به او سلام نکند و با دست به او اشاره ننماید؛ زیرا در غیر این صورت جاننش در امان نخواهد بود.^(۲)

حضرت علیه السلام برای ملاقات با شیعیان خود مکانی را معین می کرد و می فرمود: «صبروا إلى موضع كذا وكذا وإلى دار فلان بن فلان. العشاء والعتمه في ليله كذا، فإنكم تجدوني هناك ...»؛^(۳) «در فلان مکان و فلان خانه، شب هنگام مراجعه کنید که مرا در آنجا خواهید یافت.»

محمّد بن عبدالعزیز بلخی می گوید: صبح هنگامی در خیابان گوسفند فروشان نشسته بودم که ناگهان مشاهده کردم امام عسکری علیه السلام از منزل خود خارج شده و به سوی خانه عمومی می رود. در دلم گفتم: اگر فریاد زنم که این مرد، حجت خداست، بر شما باد که او را بشناسید مرا خواهند کشت؟ هنگامی که حضرت به من نزدیک شد با انگشت سبّابه خود بر دهان

ص: ۴۵

۱- ۵۳. بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۲۸۳، ح ۶.

۲- ۵۴. همان، ص ۲۶۹.

۳- ۵۵. همان، ص ۳۰۴.

خود اشاره فرمود که ساکت باش! همان شب حضرت را ملاقات کردم، فرمود: «إِنَّهُ هُوَ الْكُتْمَانُ أَوْ الْقَتْلُ فَاتَّقِ اللَّهَ عَلَى نَفْسِكَ»؛^(۱) «یا باید کتمان کنی و یا اینکه به قتل خواهی رسید. بر خودت از خدا بترس.»

به همین جهت است که مرحوم مقدس اردبیلی می فرماید: «هرگاه حدیثی از «رجل» نقل شد، مقصود امام حسن عسکری علیه السلام است.»^(۲)

این قضایا وضعیت بس دشوار سیاسی عصر امام عسکری علیه السلام و زمان ولادت امام زمان علیه السلام را می رساند. و به همین جهت است که ولادت آن حضرت در اختفای تام صورت پذیرفت.

در این بین امام عسکری علیه السلام دو وظیفه را دنبال می کرده است: یکی اینکه حضرت در صدد اثبات ولادت و وجود فرزندش بوده است و دیگر اینکه طوری باید فرزندش را معرفی کند که جانش در خطر نیفتد.

خوف از قتل

برخی می گویند: در دولت عباسی از آنجا که اتراک در شؤون خلافت سیطره پیدا کرده بودند و عزل و نصب ها به دست آن ها افتاده بود، لذا حکومت عباسیان به ضعف و سستی گراییده بود و نمی توانستند زمام حکومت را به دست داشته باشند، لذا موقعیت سیاسی که در عصر غیبت امام زمان علیه السلام به وجود آمد توجیه گر خوف و تقیه بر آن حضرت نبود تا امام عسکری علیه السلام او را مخفی بدارد.

ص: ۴۶

۱- ۵۶. بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۲۸۹.

۲- ۵۷. جامع الرواه، ج ۲، ص ۴۶۲.

در پاسخ به این سؤال می‌گوییم:

۱- اگر چه دولت عباسی در آن عصر نسبت به اوّل تأسیس آن از قوت آن چنانی برخوردار نبود ولی فی نفسه دولت مقتدری به حساب می‌آمد.

۲- از آنجا که کفر همگی یک ملت واحد است، لذا گرچه حکومت عباسی با معارضین داخلی از قبیل اتراک درگیر بودند ولی همگی بر این اتفاق داشتند که باید با اهل بیت علیهم السلام و علویین مقابله و مبارزه نمود.

۳- دولت بنی عباس گرچه مشغول مبارزه با معارضین داخلی بوده است ولی همان گونه که قبلاً اشاره شد هرگز از مبارزه با اهل بیت غافل نبودند.

وضع سیاسی بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام

از آنجا که حاکمان ظلم و جور شنیده بودند که فرزند امام عسکری علیه السلام مهدی موعود، ذخیره الهی برای رفع ظلم و جور از عالم است، لذا درصدد برآمدند تا به هر نحو ممکن او را دستگیر کرده و به قتل برسانند. سه بار طرح ترور و قتل حضرت مهدی علیه السلام ریخته شد ولی در هیچ مرتبه آنان به این عمل شوم موفق نشدند. یک بار توسط معتمد عباسی، چند روز بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام، و دو بار دیگر توسط معتضد عباسی که بعد از معتمد حکومت را به دست گرفته بود. و خلفای دیگر بعد از آن که از دستگیری و ترور حضرت مایوس شدند، اقدامی بر ضد او انجام ندادند.

شیخ طوسی رحمه الله یکی از این موارد را در کتاب «الغیبه» از رشیق نقل کرده که می‌گوید: «معتضد عباسی، من و دو نفر دیگر را به جهت دستگیری هر کسی

که در خانه امام عسکری علیه السلام است فرستاد، ما با دیدن معجزه ای نتوانستیم حضرت را دستگیر کنیم و لذا از تصمیم خود منصرف شدیم ...» (۱).

اولین مالک نرجس خاتون

در این موضوع سه نظریه و فرضیه وجود دارد:

فرضیه اول: اینکه حضرت نرجس خاتون در ملک امام هادی علیه السلام داخل شد و سپس آن حضرت او را به تزویج فرزندش امام عسکری علیه السلام درآورد که در روایتی به آن اشاره شده است. (۲)

فرضیه دوم: آن است که مالک او از خانواده امام، حکیمه دختر امام هادی علیه السلام بوده است، که از ظاهر برخی روایات دیگر استفاده می شود. (۳) زیرا حضرت هادی علیه السلام به خواهرش فرمود: «نرجس را به سوی فرزندم بفرست ...».

فرضیه سوم: آن است که بین این دو قول جمع شود به اینکه در ابتدا امام هادی علیه السلام کسی را فرستاده تا برای او بخرد، و بعد از خرید به خواهرش بخشیده است. و این احتمال به جهت جمع بین روایات ترجیح دارد.

بررسی یک روایت

احمد کاتب می گوید: «برخی از مورخین نقل کرده اند که بعضی از شیعیان قائل به توقف و انقطاع امامت شدند، آن گونه که بین رسل توقف بود. و از

ص: ۴۸

۱- ۵۸. الغیبه، طوسی، ص ۲۴۸، با تلخیص.

۲- ۵۹. بحار الأنوار، ج ۵۱.

۳- ۶۰. کمال الدین، ص ۴۲۶ و ۴۲۷.

برخی روایات نیز استفاده می شود که ممکن است در صورتی که مردم مورد غضب الهی واقع شوند، امامت و امام مرتفع شده و منقطع گردد ...».

در پاسخ او می گوییم:

۱ - همان گونه که از کتب تواریخ و ملل و نحل استفاده می شود اکثر جامعه شیعی در آن زمان، معتقد به ولادت امام زمان علیه السلام بودند.

۲ - آن گونه که شیخ مفید رحمه الله و دیگران اشاره کرده اند، گرچه بعد از وفات امام عسکری علیه السلام شیعیان در ابتدا به چهارده فرقه متفرق شدند ولی بعد از مدتی کوتاه با ارشادات علما و اصحاب، همگی بر اعتقاد به ولادت و وجود امام خود اتفاق نمودند. (۱)

۳ - در مورد روایتی که ادعا کرده دلالت بر تحقق فترت و انقطاع امامت دارد، با دقت در آن، خلاف آنچه ادعا شده استفاده می شود، زیرا در آن روایت از امام باقر علیه السلام نقل است که فرمود: «إِذَا غَضِبَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَي خَلْقِهِ نَحَانَا عَنْ جَوَارِهِمْ» (۲) «هر گاه خداوند تبارک و تعالی بر خلقش غضب کند ما را از جوارشان دور خواهد گرداند.» این حدیث به خوبی دلالت بر وجود و غیبت امام زمان علیه السلام دارد.

۴ - اگر مجرد اختلاف، دلیل بر بطلان است، باید اختلاف در هر امری از جمله اصل امامت و خلافت و نبوت را نیز دلیل بر بطلان آن دانست، در حالی که هیچ کس چنین ادعایی نکرده است. آیا پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله خبر نداده که امتش بعد از او به ۷۳ فرقه متفرق خواهند شد؟!

ص: ۴۹

۱- ۶۱. ر.ک: الفصول المختاره، ص ۳۲۵.

۲- ۶۲. کافی، ج ۱، ص ۳۴۳، ح ۳۱.

ولادت حضرت مهدی علیه السلام قبل از ظهور

گاهی سؤال می شود اگر خداوند متعال اراده کرده که در پایان تاریخ بشر جهان را پر از عدل و داد کند، و این کار احتیاج به رهبری الهی دارد، چه ضرورتی است که او را قبل از تشکیل حکومت عدل جهانی خلق کند؟ چرا او را در همان زمان که احتیاج به اوست خلق نمی کند؟

در پاسخ این سؤال می گوییم:

۱ - از ادله عقلی و نقلی استفاده می شود که زمان، هیچ گاه نباید از حجت و ولی خدا خالی باشد، هم از جهت فیض تشریح و هم تکوین. این مطلب در جای خود به اثبات خواهد رسید.

۲ - علم جدید این مطلب را بدون استثنا به اثبات رسانده که عالم بر اساس حرکت تدریجی پایه گذاری شده است. هر چیزی حرکت تدریجی خود را دارد، بدون آن که این مطلب با قدرت خداوند تنافی داشته باشد. لذا خداوند متعال آسمان ها و زمین را در مدت شش روز آفرید نه در یک لحظه.

آیا خداوند عاجز بود که در یک لحظه آن ها را بیافریند؟ هرگز. چرا باید نطفه انسان نه ماه در شکم مادر بماند و شرایط طبیعی خود را طی کند تا تبدیل به انسانی مستوی الخلقه گردد؟ آیا خداوند عاجز است که انسان را در یک لحظه ایجاد نماید؟ در مورد تشکیل حکومت عدل جهانی نیز همین حکم جاری است، خداوند امور آن زمان را از پیش تدارک می بیند.

۳ - با فلسفه انتظار بیشتر هماهنگ است یعنی انتظار کسی که وجود دارد ولی غایب است بیشتر مؤثر است تا کسی که هنوز خلق نشده و در آینده پا به هستی وجود می گذارد.

اختلاف در ولادت

احمد کاتب در صدد آن است که از اختلافی که در مسأله ولادت حضرت مهدی علیه السلام پدید آمد بهره برداری کرده و از آن برای سست جلوه دادن مسأله ولادت حضرت استفاده نماید.

در پاسخ او می‌گوییم:

اولاً: اختلاف در موضوع و قضیه ای هرگز مستلزم نبود آن موضوع نیست، بلکه بر وجود آن دلالت دارد، و گرنه هیچ قضیه ای را نمی‌توان به اثبات رسانید؛ زیرا در هر قضیه و موضوعی از جهات مختلف اختلاف شده است.

آیا امت اسلامی بعد از پیامبر مطابق احادیث، به ۷۳ فرقه تقسیم نشدند؟ آیا این افتراق و تفرق باعث می‌شود که اصل اسلام زیر سؤال رفته و در گزاره های دینی شک نماییم؟

ثانیاً: همان گونه که از وضعیت سیاسی آن زمان و مخفی بودن امر ولادت به جهت آن وضعیت استفاده می‌شود، اختلاف امری طبیعی به نظر می‌رسد.

ثالثاً: مطابق نقل شیخ مفید رحمه الله جامعه شیعی بعد از مدتی نه چندان دور به وحدت نظر در امر ولادت حضرت مهدی علیه السلام رسیدند. او می‌گوید: «از این فرقه ها که ذکر شد در این زمان که سال ۳۷۳ است به جز فرقه دوازده امامی که قائل به امامت فرزند امام حسن علیه السلام است، وجود ندارد ...» (۱).

جالب توجه اینکه، انکار برخی بر ولادت امام مهدی علیه السلام از دید اهل بیت علیهم السلام مخفی نمانده و لذا در روایاتی به آن اشاره کرده اند. شیخ صدوق رحمه الله به

ص: ۵۱

سند صحیح از امام موسی بن جعفر علیهما السلام نقل کرده که فرمود: «صاحب هذا الأمر من يقول الناس لم يوجد بعد»؛ (۱) صاحب این امر کسی است که [بعضی از] مردم می گویند: هنوز متولد نشده است.»

عصر حیرت

احمد کاتب می گوید: «بعد از وفات امام عسکری علیه السلام حیرت و شک و تردید در جامعه شیعه در امر امامت بعد از آن حضرت و ولادت فرزند او پدید آمد.» او در صدد آن است که از این موضوع بهره برداری کرده و اثبات کند که موضوع ولادت حضرت اجماعی نبوده است.

در پاسخ او می گوئیم:

اولاً: مسأله حیرت و تردید در بین عوام مردم همان گونه که تشریح شد امری طبیعی به نظر می رسد، زیرا جو خاص سیاسی و احتمال قتل حضرت اقتضا داشت که امر ولادت حضرت مستور باشد، و تنها عده ای خاص از اصحاب امام عسکری علیه السلام از آن مطلع گردند، و توسط آن ها این موضوع منتشر شود.

ثانیاً: وجود حیرت و غموض در امر ولادت حضرت، دلیل بر وجود اوست نه عدم آن. یعنی ولادتی بوده ولی از آنجا که مخفی واقع شد، عده ای را در حیرت فرو برد.

ثالثاً: همان گونه که مکرراً اشاره شد، گرچه در ابتدای غیبت برخی از عوام

ص: ۵۲

مردم در حیرت به سر می بردند، ولی بعد از مدتی نه چندان دور به واسطه کوشش فراوانی که بزرگان امامیه در روشن ساختن عموم مردم در امر ولادت و امامت حضرت مهدی علیه السلام داشتند، تمام جامعه شیعی از حیرت خارج شده و همگی به امامت آن حضرت معتقد شدند.

کوشش برای رفع حیرت

شکی نیست که بعد از غیبت امام مهدی علیه السلام حیرت و شک جامعه شیعی را در سطح عوام مردم فرا گرفت، زیرا آنان امام خود را نمی دیدند، ولی با فداکاری و تبلیغ علما و اصحاب، این حیرت برداشته شد. از جمله کارهایی که در این مدت انجام گرفت تألیف کتاب هایی متناسب با وضع موجود در جهت رفع حیرت بود، که از آن جمله می توان به این کتاب ها اشاره نمود:

۱ - کتاب «الغیبه» از محمد بن ابراهیم نعمانی که بین سال ۳۳۳ تا ۳۴۲ هجری تألیف یافته است.

۲ - کتاب «الامامه و التبصره من الحیره» از علی بن بابویه قمی (م ۳۲۹ه).

۳ - کتاب «اکمال الدین و اتمام النعمه» از محمد بن علی بن بابویه (م ۳۸۶ه).

۴ - کتاب «الغیبه» از شیخ طوسی (م ۴۶۰ه).

و دیگر کتاب ها.

علی بن بابویه در مورد کتاب خود می گوید: «... من در این کتاب اخباری را جمع نمودم که می تواند حیرت را برطرف سازد...» (۱).

ص: ۵۳

بزرگان جامعه شیعه به پیروی از پیشینیان در راستای اهداف آنان که همان تثبیت ایمان مردم به ولادت و وجود امام زمان علیه السلام بود قدم گذاشته و دست به تألیفات گوناگون در این زمینه زدند که از آن جمله می توان به این تألیفات اشاره نمود:

- ۱ - ابو اسحاق ابراهیم بن اسحاق احمری نهاوندی: «کتاب الغیبه». (۱)
- ۲ - ابو اسحاق ابراهیم بن الأنمطی کوفی اسدی: «کتاب الغیبه». (۲)
- ۳ - احمد بن حسین عبدالله مهرانى آبی: «ترتیب الأدله فیما یلزم خصوم الامامیه دفعه عن الغیبه و الغائب». (۳)
- ۴ - ابوالعباس احمد بن علی رازی: «الشفاء و الجلاء عن الغیبه». (۴)
- ۵ - ابوالحسن احمد بن محمد بن عمران بن موسی معروف به ابن الجندی: «الغیبه». (۵)
- ۶ - اشرف بن اعز معروف به تالچ العلی علوی حسینی: «الغیبه». (۶)
- ۷ - ابو محمد حسن بن حمزه معروف به طبری: «الغیبه». (۷)
- ۸ - ابو محمد حسن بن محمد بن یحیی معروف به ابن اخی طاهر: «کتاب الغیبه و ذکر القائم». (۸)

ص: ۵۴

۱- ۶۶. رجال نجاشی، ص ۱۹، رقم ۲۱.

۲- ۶۷. همان، ص ۱۵، رقم ۱۳.

۳- ۶۸. معالم العلماء، ص ۶۰، رقم ۱۱۳.

۴- ۶۹. رجال نجاشی، ص ۹۷، رقم ۲۴۰.

۵- ۷۰. همان، ص ۸۵، رقم ۲۰۶.

۶- ۷۱. الذریعه، ج ۱۶، ص ۷۵، رقم ۳۷۵.

۷- ۷۲. رجال نجاشی، ص ۶۴، رقم ۱۵۰.

۸- ۷۳. همان، رقم ۱۴۹.

۹ - ابوالحسن حنظله بن زکریا تمیمی قزوینی: «کتاب الغیبه».(۱)

۱۰ - ابوالحسن سلامه بن محمد بن اسماعیل: «کتاب الغیبه و کشف الحیره».(۲)

۱۱ - ابوالفضل عباس بن هشام ناشری اسدی: «کتاب الغیبه».(۳)

۱۲ - ابوالعباس عبدالله بن جعفر بن حسین حمیری قمی: «کتاب الغیبه و التوقعات».(۴)

۱۳ - ابو محمد عبدالوهاب مادرائی: «کتاب الغیبه».(۵)

۱۴ - شیخ مفید محمد بن محمد بن نعمان: او در زمینه امام زمان علیه السلام و موضوعات مربوط به آن حضرت تألیفات متعددی دارد از قبیل: «کتاب الغیبه»، «المسائل العشره فی الغیبه»، «مختصر فی الغیبه»، «النقض علی الطلحی فی الغیبه»، «جواب الفارقیین فی الغیبه».

و نیز در برخی از کتب خود به طور ضمنی بحث فراوانی از مهدویت نموده است از قبیل: «الایضاح فی الامامه و الغیبه»، «الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد»، «العیون و المحاسن»، «الجوابات فی خروج الامام المهدي علیه السلام».

۱۵ - ابوالقاسم علی بن حسین معروف به شریف مرتضی: «المقنع فی الغیبه».(۶)

۱۶ - علی بن محمد بن علی بن عمر بن ریاح: «کتاب الغیبه».(۷)

ص: ۵۵

۱- ۷۴. همان، ص ۱۴۷، رقم ۳۸۰.

۲- ۷۵. همان، ص ۱۹۲، رقم ۵۱۴.

۳- ۷۶. همان، ص ۳۸۰، رقم ۷۴۱.

۴- ۷۷. همان، ص ۲۱۹، رقم ۵۷۳.

۵- ۷۸. همان، ص ۲۴۷، رقم ۶۵۲.

۶- ۷۹. همان، ص ۲۷۰ و ۲۷۱، رقم ۷۰۸.

۷- ۸۰. همان، ص ۲۵۹ و ۲۶۰، رقم ۶۷۹.

۱۷ - ابو عبدالله کاتب محمد بن ابراهيم بن جعفر: «کتاب الغيبه».(۱)

۱۸ - ابوعلی کاتب اسکافی محمد بن احمد بن جنید: «ازاله الران عن قلوب الاخوان فی الغيبه».(۲)

۱۹ - ابو عبدالله محمد بن احمد صفوانی: «کتاب الغيبه و کشف الحيره».(۳)

۲۰ - محمد بن زید بن علی فارسی: «کتاب الغيبه».(۴)

۲۱ - ابو الفتح محمد بن علی بن عثمان کراچکی: «البرهان علی طول عمر صاحب الزمان» و «الاستطراف فی ذکر ما ورد فی الغيبه فی الإنصاف».(۵)

۲۲ - ابوبکر محمد بن قاسم بغدادی: «کتاب الغيبه».(۶)

۲۳ - ابو النضر محمد بن منصور عیاشی: «کتاب الغيبه».(۷)

۲۴ - ابو الفرج مظفر بن علی بن حسین همدانی: «کتاب الغيبه».(۸)

این ها اسامی کتاب هایی بود که تا آخر قرن سوم هجری درباره رفع حیرت به طور مستقل نوشته شده است.

علت اختلاف در امر ولادت

احمد کاتب می گوید: «اگر مهدویت حضرت مهدی علیه السلام واضح بوده، چرا قبل از ولادت حضرت مهدی علیه السلام گروهی قائل به مهدویت امام علی علیه السلام یا فرزندش

ص: ۵۶

۱- ۸۱. همان، ص ۳۸۳، رقم ۱۰۴۳.

۲- ۸۲. همان، ص ۳۸۵، رقم ۱۰۴۷.

۳- ۸۳. همان، ص ۳۹۳، رقم ۱۰۵۰.

۴- ۸۴. فهرست طوسی، ص ۱۵۹، رقم ۶۹۹.

۵- ۸۵. الذریعه، ج ۱۶، ص ۸۰ و ۷۹.

۶- ۸۶. الذریعه، ج ۳، ص ۹۲، رقم ۲۹۲؛ رجال نجاشی، ص ۳۸۱، رقم ۱۰۳۵.

۷- ۸۷. رجال نجاشی، ص ۳۵۰ - ۳۵۳، رقم ۹۴۴.

۸- ۸۸. الذریعه، ج ۱۶، ص ۸۲، رقم ۴۰۶.

محمد بن حنفیه و نفس زکیه و امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام و سید محمد فرزند امام هادی علیه السلام و حتی امام عسکری علیه السلام شدند؟»

در پاسخ او می‌گوییم:

۱ - اگر چه در برخی از احادیثی که از جانب رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت او درباره خروج مهدی علیه السلام وارد شده، تصریح شده که او قطعاً فرزند امام عسکری علیه السلام امام یازدهم است، ولی برخی هنگامی که ظلم و تجاوز را زیاد می‌دیدند و از طرفی همه اهل بیت را هدایت شده و هادی می‌دانستند، گاهی به امید اینکه یکی از اهل بیت، مهدی امت است به سراغ او می‌آمدند و ادعای مهدویت در حق او می‌کردند و جماعتی را نیز به دنبال خود می‌کشیدند. این افراد غالباً از انسان‌های ساده اندیش و جاهل بودند، و در برخی از موارد مسأله سیاسی نیز در این ادعا دخالت داشته است.

۲ - کسانی که چنین ادعایی داشته‌اند هرگز دوام نیاورده و بعد از مدت کوتاهی به جرگه عموم شیعیان پیوسته و یا منقرض شده‌اند.

۳ - میزان در عقیده یک مذهب، نظر غالب افراد و علمای آن مذهب است. و می‌دانیم که عقیده به مهدویت حضرت مهدی علیه السلام فرزند امام عسکری علیه السلام عقیده قریب به اتفاق شیعیان به حساب می‌آید.

۴ - در برخی از موارد که گروهی قائل به مهدویت غیر از حضرت مهدی علیه السلام شدند به جهت شبهه‌ای بوده که برای آن‌ها پدید آمده است؛ زیرا موقعیت آن عصر چنین حیرت و تردیدی را اقتضا داشته است، گرچه این حیرت نیز بعد از مدت کوتاهی برطرف گشت.

شیخ مفید رحمه الله می گوید: برخی موضوع وصیت امام عسکری علیه السلام به مادرش در امر وقوف و صدقات را دلیل بر انکار ولادت حضرت مهدی علیه السلام گرفته اند در حالی که هرگز چنین دلالتی ندارد؛ زیرا این کار به جهت اخفای ولادت و مستور نمودن امر حضرت از دستگاه حاکم بوده است. اگر در وصیت نامه حضرت، نام مهدی ذکر می شد و صدقات و موقوفات به او نسبت داده می شد به طور حتم با غرض حضرت از محافظت فرزندش منافات داشت. خصوصاً آن که وصیت، احتیاج به شهادت شهودی از خواص دولت بنی عباس بود تا بر اصل وصیت گواهی داده و بر آن امضا کنند. مگر در عصر امام صادق علیه السلام نبود که آن حضرت به جهت حفظ فرزندش موسی بن جعفر علیه السلام از تعرض دستگاه حکومت، تصریح به امامت و وصایت او در ملاء عام و در وصیت نامه اش نکرد، بلکه به پنج نفر وصیت نمود که اول آن ها منصور عباسی و بعد ربیع و قاضی وقت و کنیزش حمیده بربریه، و در آخر نام فرزندش موسی بن جعفر را ذکر کرد، تا از این طریق بتواند جان فرزندش را حفظ کند، گرچه امر امامت او را برای خواص از اصحاب و اولیای خود روشن ساخته بود تا با مرور زمان بر دیگران واضح سازند...» (۱).

نصّ بر امام زمان علیه السلام

برای اثبات امامت امام زمان علیه السلام از راه های مختلف می توان وارد شد و به

ص: ۵۸

نتیجه قطعی و مطلوب در این مسأله رسید. این بحث در رابطه با امامت همه امامان مطرح است.

۱ - همان گونه که اشاره شد از طریق امام عسکری علیه السلام نصوص متعددی صحیح السند در امر امامت فرزندش رسیده است.

۲ - اگر چه در باب اصل امامت و اینکه زمین هرگز از حجت خالی نیست احتیاج به ادله قطعی و یقینی است ولی در بحث اینکه امام بعدی کیست از آن جهت که موضوع خارجی است خبر واحد صحیح السند کافی است.

۳ - همان گونه که قبلاً نیز اشاره شد نصوص فراوان و در حدّ تواتر از پیامبر صلی الله علیه و آله و هر یک از امامان علیهم السلام در این رابطه وارد شده است.

۴ - همان گونه که یکی از راه های اثبات نبوت، بلکه عمده ترین راه آن، اعجاز است در مورد اثبات امامت نیز از این راه می توانیم امامت هر یک از امامان را به اثبات برسانیم، زیرا نصّ خاص از جانب امام قبل بر امام بعد، موضوعیت ندارد بلکه نصّ، راهی برای اثبات امامت امام بعد است.

۵ - بر فرض اینکه نصوص وارده درباره برخی از ائمه خیر واحد باشند ولی با قراین خارجی، که این گونه روایات به همراه دارند ما را به قطع و اطمینان به مفاد آن ها می رسانند، همانند اقبال شیعه و اجماع اصحاب امامیه بر امامت شخص خاص، با در نظر گرفتن این نکته که وضعیت خاص سیاسی و فشارهای شدیدی که از ناحیه حکام بنی امیه و بنی عباس بر شیعیان و پیروان اهل بیت و تابعان آن ها وارد می شد، چنین وضعی را اقتضا داشته است.

۶- با بررسی تمام جوانب موضوع، اعم از روایاتی که از امام عسکری علیه السلام در باب امامت فرزندش امام مهدی علیه السلام رسیده و نیز روایاتی که از جانب پیامبر صلی الله علیه وآله و هر یک از امامان وارد شده و نیز معجزاتی که از حضرت مهدی علیه السلام صادر شده و قراین خارجی دیگر، پی خواهیم برد که مسأله امامت حضرت مهدی علیه السلام از راه تواتر قابل اثبات است.

اتفاق امامیه بر ولادت

اصحاب و عموم طایفه شیعه امامیه بعد از وفات امام حسن عسکری علیه السلام در طول قرن ها بر ولادت امام زمان علیه السلام اتفاق داشته اند، اگر چه در ابتدا حیرت و شکی در ولادت و امامت آن حضرت در بین گروهی از شیعیان پدید آمد، ولی بعد از گذشت زمان نه چندان طولانی و به عنایت و تبلیغ بزرگان امامیه، همگی به راه مستقیم هدایت شده و به امامت امام عصر علیه السلام اعتقاد پیدا نمودند، همان گونه که شیخ مفید در کتاب «الفصول المختاره» به آن اشاره کرده است.

او می گوید: «از این فرقه هایی که ذکر شد هیچ فرقه ای در زمان ما که سال ۳۷۳ هجری است باقی نمانده است جز شیعه دوازده امامی که قائل به امامت فرزند امام حسن همنام رسول خدا صلی الله علیه وآله بوده و همگی بر زنده بودن ایشان قطع داشته و معتقد به بقای آن حضرت تا زمانی که قیام به شمشیر کند، هستند ...» (۱).

ص: ۶۰

اتفاق مورخان شیعه بر ولادت

مورخان شیعه در مورد تاریخ ولادت حضرت مهدی علیه السلام به طور اتفاق آن را در سال ۲۵۵ هجری دانسته اند. اینک به اسامی برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱ - کلینی رحمه الله. (۱)

۲ - شیخ مفید رحمه الله. (۲)

۳ - اربلی رحمه الله. (۳)

۴ - شیخ طوسی رحمه الله. (۴)

۵ - کفعمی رحمه الله. (۵)

۶ - طبرسی رحمه الله. (۶)

۷ - علامه مجلسی رحمه الله. (۷)

۸ - شیخ بهایی رحمه الله. (۸)

حکم منکر ولادت

از آنجا که ولادت و وجود حضرت مهدی علیه السلام مبنای شیعه در طول تاریخ بوده و به تعبیری ضرورت مذهب به حساب می آمده است و لذا اجماع شیعه از عوام و خواص بر آن بوده است، بدین جهت کسی که منکر ولادت و وجود امام مهدی علیه السلام است، از تشیع و جامعه شیعی خارجی می شود، گرچه برای خود

ص: ۶۱

۱- ۹۱. کافی، ج ۱، ص ۵۱۴.

۲- ۹۲. الارشاد، ج ۲، ص ۳۳۹ و ۳۴۰.

۳- ۹۳. کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۴۵.

۴- ۹۴. مصباح المتعجل، ص ۸۴۲.

۵- ۹۵. البلد الامین، ص ۱۸۷.

۶- ۹۶. اعلام الوری، ص ۴۱۸.

۷- ۹۷. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲.

۸- ۹۸. توضیح المقاصد، ص ۲۰ و ۲۱.

ادلای و همی ذکر کند، زیرا امر ضروری، خود بهترین دلیل بر اثبات آن است. بلکه بالاتر از این، مطابق رأی متقدمین و متأخرین از علمای امامیه که امامت را از اصول دین می دانند، کسی که منکر امامت و وجود امام معصوم در برهه ای از زمان باشد از دین خارج است، گرچه در ظاهر حکم به اسلام او می شود، همان گونه که چنین حکمی درباره اهل سنت صادق است.

ملاقات با امام زمان

هنگام ولادت حضرت مهدی علیه السلام و بعد از آن عده ای حضرت را ملاقات نموده اند:

اسامی پنج نفر را در این مورد می توان نام برد:

الف: ملاقات هنگام ولادت

۱ - حکیمه دختر امام جواد علیه السلام. (۱)

۲ - زن قابله. (۲)

۳ و ۴ - نسیم و ماریه. (۳)

۵ - کنیز امام عسکری علیه السلام. (۴)

ب: ملاقات در زمان حیات امام عسکری علیه السلام در مورد این مورد می توان به اسامی عده ای اشاره کرد:

ص: ۶۲

۱- ۹۹. کمال الدین، ص ۴۲۴.

۲- ۱۰۰. الغیبه، طوسی، ص ۲۴۰ - ۲۴۲.

۳- ۱۰۱. کمال الدین، ص ۴۳۰.

۴- ۱۰۲. همان، ص ۴۳۱.

۱ - محمد بن عثمان عمري با چهل نفر. (۱)

۲ - ابو هارون. (۲)

۳ - يعقوب بن منقوش. (۳)

۴ - عمرو اهوازي. (۴)

۵ - حكيمه دختر امام جواد عليه السلام. (۵)

۶ - محمد بن اسماعيل بن موسى بن جعفر. (۶)

۷ - ابو نصر ظريف خادم. (۷)

۸ - ابو علي بن مطهر. (۸)

۹ - عقيد خادم و اسماعيل بن علي نوبختي. (۹)

۱۰ - نسيم، خادم امام عسكري عليه السلام. (۱۰)

۱۱ - اصحاب امام عسكري عليه السلام. (۱۱)

۱۲ - مردی از فارس. (۱۲)

۱۳ - ابو عمرو. (۱۳)

ص: ۶۳

۱- ۱۰۳. کمال الدين، ص ۴۳۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۵، ح ۱۹.

۲- ۱۰۴. همان، ص ۴۳۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۵، ح ۱۸.

۳- ۱۰۵. همان، ص ۴۳۶؛ بحار الأنوار ج ۵۲، ص ۲۵، ح ۱۷.

۴- ۱۰۶. الارشاد، ج ۲، ص ۳۵۳؛ کافی، ج ۱، ص ۳۳۲.

۵- ۱۰۷. الارشاد، ج ۲، ص ۳۵۱.

۶- ۱۰۸. همان.

۷- ۱۰۹. همان، ص ۳۵۴.

۸- ۱۱۰. همان، ص ۳۵۲.

۹- ۱۱۱. الغيبة، طوسی، ص ۲۷۱ - ۲۷۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۶.

- ١٠-١١٢. كمال الدين، ص ٤٤١.
- ١١-١١٣. كمال الدين، ص ٤٣١؛ بحار الأنوار، ج ٥١، ص ٥.
- ١٢-١١٤. كافي، ج ١، ص ٣٢٩، ح ٦.
- ١٣-١١٥. همان، ح ١.

۱۴ - ابراهیم بن عبده نیشابوری و خادمش. (۱)

۱۵ - رشیق صاحب مادرای. (۲)

۱۶ - کامل بن ابراهیم مدنی. (۳)

۱۷ - احمد بن اسحاق قمی. (۴)

ج: ملاقات در عصر غیبت صغری

جماعت بسیاری در عصر غیبت صغرا به ملاقات حضرت شرفیاب شده اند که به اسامی برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱ - محمد بن عثمان عمّری. (۵)

۲ - طریف و ابونصر. (۶)

۳ - ازدی. (۷)

۴ - ابراهیم بن ادیس. (۸)

۵ - ابی عبدالله بن صالح. (۹)

۶ - ابراهیم بن مهزیار. (۱۰)

۷ - محمّد بن اسماعیل بن موسی بن جعفر. (۱۱)

و دیگران.

ص: ۶۴

۱- ۱۱۶. همان، ص ۳۳۱، ح ۶.

۲- ۱۱۷. الغیبه، طوسی، ص ۲۴۸ - ۲۵۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ح ۳۶.

۳- ۱۱۸. الغیبه، طوسی، ص ۲۴۶.

۴- ۱۱۹. کمال الدین، ص ۳۸۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳.

۵- ۱۲۰. کمال الدین، ص ۴۴۰.

۶- ۱۲۱. همان، ص ۴۴۱.

۷- ۱۲۲. همان، ص ۴۴۴.

٨-١٢٣. ينابيع الموده، ج ٣، ص ٣٢٤.

٩-١٢٤. همان، ص ٢٢٩.

١٠-١٢٥. همان، ص ٣٣٥.

١١-١٢٦. الارشاد، ج ٢، ص ٣٥١.

مرحوم مجلسی در روایتی اسامی ۲۶۵ نفر از کسانی که در عصر غیبت صغرا به ملاقات حضرت شرفیاب شده اند را نام برده است. (۱)

اعتراف علمای انساب به ولادت

گروهی از علمای انساب معترفند که برای امام حسن عسکری علیه السلام فرزندی به نام محمد و با القاب: حجت و مهدی و ... متولد شده است. اینک به اسامی برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱ - نسابه سهل بن عبدالله بن داوود بن سلیمان بخاری، که معاصر عصر غیبت صغرا می زیسته است. (۲)

۲ - سید عمری، نسابه مشهور در قرن پنجم هجری. (۳)

۳ - فخر رازی شافعی، نسابه قرن پنجم. (۴)

۴ - نسابه قرن ششم مروزی ازورقانی. (۵)

۵ - نسابه جمال الدین احمد معروف به ابن عنبه. (۶)

۶ - نسابه ابوالحسن محمد حسینی یمانی صنعانی زیدی، نسابه قرن یازدهم. (۷)

ص: ۶۵

۱- ۱۲۷. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱ - ۷۷.

۲- ۱۲۸. سر السلسله العلویه، ص ۳۹ و ۴۰.

۳- ۱۲۹. المجدی فی انساب الطالبین، ص ۱۳۰.

۴- ۱۳۰. الشجره المبارکه فی انساب الطالبیه، ص ۷۸ و ۷۹.

۵- ۱۳۱. الفخری فی انساب الطالبین، ص ۸.

۶- ۱۳۲. عمدہ الطالب فی انساب آل ابی طالب، ص ۱۹۹.

۷- ۱۳۳. روضه الألباب لمعرفة الأنساب، ص ۱۰۵.

۷ - محمد امین سویدی. (۱)

۸ - محمد ویس حیدری سوری. (۲)

۹ - علامه نسابه سید محمد بن حسین بن عبدالله حسینی سمرقندی مدنی. (۳)

۱۰ - شریف انس کتبی حسنی در تعلیقه بر کتاب «تحفه المطالب». (۴)

۱۱ - علامه نسابه سید محمد بن احمد بن حمید الدین نجفی. (۵)

۱۲ - علامه نسابه شریف انس کتبی حسنی. (۶)

عدم اعتنا به انکار جعفر

جعفر عموی امام زمان علیه السلام اگرچه منکر ولادت حضرت مهدی علیه السلام شده است ولی از جهاتی نمی توان به انکار او توجه نمود:

۱ - با ادله متقن ولادت حضرت مهدی علیه السلام به اثبات رسیده است.

۲ - اتفاق امت بر آن است که جعفر معصوم نبوده است، بلکه از جمله مردم عادی بوده که در او احتمال گمراهی و یا سهو و اشتباه رواست. همان گونه که برخی از فرزندان یعقوب به گمراهی کشیده شدند.

۳ - از برخی اخبار استفاده می شود که جعفر به سبب انحراف و گمراهی که داشت، ادعای دروغین عدم ولادت فرزند برای امام عسکری علیه السلام نمود.

ص: ۶۶

۱- ۱۳۴. سبائک الذهب، ص ۷۸.

۲- ۱۳۵. الدرر البهیة فی الانساب الحیدریه و الاویسیه، ص ۷۳.

۳- ۱۳۶. تحفه المطالب بمعرفه من ینتسب الی عبدالله و ابی طالب، ص ۵۴ و ۵۵، چاپ ریاض.

۴- ۱۳۷. همان، ص ۵۵.

۵- ۱۳۸. بحر الانساب، ص ۳۹، چاپ ریاض.

۶- ۱۳۹. الاصول فی ذریه البضعه البتول، ص ۹۷ - ۱۰۰.

۴ - نهایت چیزی را که از روی احتیاط می توان گفت اینکه: از آنجا که او کشش و قابلیت و تحمیل خبر ولادت حضرت مهدی علیه السلام را نداشته، امام عسکری علیه السلام فرزندش را به او نشان نداده است. و لذا از آن بی اطلاع بوده است.

ادّعی دروغین

در توقیعی که از ناحیه مقدسه صادر شد حضرت اشاره به جعفر کرده، می فرمایند: «... وقد ادّعی هذا المبطل المفتري علی الله الکذب بما ادعاه، فلا أدري بأیة حاله هی له رجاء أن یتتم دعواه، أبفقه فی دین الله؟ فوالله ما یعرف حلالاً من حرام ولا یفرق بین خطاء و صواب...»؛^(۱) «... به طور حتم این شخص مبطل و تهمت زننده به خدا است و در آنچه می گوید ادّعی دروغ و کذب نموده است، نمی دانم که به کدامین حالت امید دارد که ادّعی خود را تمام نماید؟ آیا به فهم در دین خدا؟ به خدا سوگند که او حلال را از حرام نمی شناسد و اشتباه و صحیح را تشخیص نمی دهد...».

از این توقیع استفاده می شود اول کسی که به جعفر لقب دروغگو داد خود حضرت بوده است و بعد از آن این عنوان بر او شهرت یافت. برخی نیز وجه توصیف او را به دروغگو به جهت تمییز بین او و امام جعفر صادق علیه السلام می دانند.

کارهای ناشایست جعفر

جعفر فرزند امام هادی علیه السلام پس از رحلت برادرش امام عسکری علیه السلام به یک

ص: ۶۷

۱- ۱۴۰. الغیبه، طوسی، ص ۲۸۸ - ۲۹۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۹۵، ح ۲۱.

سری اقداماتی روی آورد که در شأن او نبوده است. اینک به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱ - قصد نماز خواندن بر پیکر مطهر برادرش امام عسکری علیه السلام. (۱)

۲ - ادّعی امامت و رهبری، زیرا او به وزیر عباسی عبیدالله بن یحیی بن خاقان گفت: «مقام برادرم را به من بدهید، من سالانه مبلغ بیست هزار دینار بابت آن به شما می‌پردازم». (۲)

۳ - ادّعی ارث، زیرا در اقدامی دیگر کوشید تا اموال امام علیه السلام را تصاحب نماید و ادّعا کرد که برادرش ابو محمد علیه السلام فرزندی ندارد، و تنها وارث، برادر اوست. حکومت نیز اجازه داد تا بر اموال برادر تسلط یابد. (۳)

۴ - تحریک حکومت برای دستگیری امام مهدی علیه السلام.

تشبیه جعفر به برادران یوسف

امام زمان علیه السلام در ذیل توقیعی که به محمد بن عثمان عمّری رحمه الله صادر شد فرمود: «... وأما سیل عمّی جعفر وولده فسیل إخوه یوسف علیه السلام ...»؛ (۴) «اما راه عمویم جعفر و اولادش همانند راه برادران یوسف است ...».

برای نکته تشبیه به وجوهی می‌توان اشاره نمود:

۱ - حکم جعفر عموی امام زمان علیه السلام را همانند اولاد انبیا، باید به آباء و اجدادشان واگذار نمود و درباره آن‌ها سخنی نگفت.

ص: ۶۸

۱- ۱۴۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۷۵.

۲- ۱۴۲. همان، ج ۲، ص ۳۷۹.

۳- ۱۴۳. کافی، ج ۱، ص ۵۰۵.

۴- ۱۴۴. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰، ح ۱۰.

۲ - همان گونه که برادران یوسف از عمل ناشایست خود توبه کردند، او نیز چنین نموده است. و لذا برخی او را به جعفر تَوَاب لقب داده اند.

۳ - فرزندان یعقوب گرچه گناه مرتکب شدند، ولی خداوند متعال به جهت کرامت یعقوب از آنان عفو نمود. همچنین در مورد جعفر، زیرا او فرزند امام، برادر امام، و عموی امام بود.

۴ - ممکن است که تشبیه، ناظر به اثبات خطا و گناه برای جعفر باشد، همان گونه که اولاد یعقوب مرتکب گناه شدند، بدین معنا که هرگز نمی توان ادعا کرد اولاد انبیا و اوصیا همانند خود آن ها از گناه معصومند، بلکه همان گونه که فرزندان یعقوب مرتکب گناه شدند، فرزند امام نیز ممکن است مرتکب گناه شود. در حقیقت، هدف امام از تمثیل رفع استبعاد از این جهت است.

انتقال امامت به دو برادر

احمد کاتب می گوید: «قول به عدم جواز انتقال امامت به دو برادر بعد از حسن و حسین و وجوب استمرار آن در اعقاب، ضعیف است، و اجماعی بر آن در آن وقت نبوده است ...».

در پاسخ او می گوییم:

جمهور شیعه امامیه و مشهور بلکه متواتر نزد آنان قبل از ولادت امام مهدی علیه السلام، قول به عدم جواز انتقال امامت به دو برادر بعد از امام حسن و امام حسین علیهما السلام است.

اسماعیل بن علی نوبختی می گوید: «از اخبار متواتر از امامان صادق علم پیدا نمودیم که امامت بعد از حسن و حسین علیهما السلام تنها در اولاد امام خواهد بود نه در برادر یا اقوام» (۱).

اشعری قمی (۲) و علی بن حسن نوبختی (۳) نیز همین اعتقاد را داشته اند.

از برخی روایات نیز این مطالب به خوبی استفاده می شود:

کلینی به سند صحیح از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «لا- تعودُ الإمامه فی الأ-خوین بعد الحسن والحسین أبداً»؛ (۴) «بعد از حسن و حسین هرگز امامت در دو برادر نخواهد بود.»

و نیز به سند دیگر از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «لا تجتمع الإمامه فی أخوین بعد الحسن و الحسين إنما هی فی الأعقاب و أعقاب الأعقاب»؛ (۵) «امامت در دو برادر بعد از حسن و حسین جمع نخواهد شد. همانا امامت در نسل ها و نسل های نسل هاست.»

و نیز از اسماعیل بن بزیر نقل شده که از امام رضا علیه السلام سؤال شد: «أنه سئِل: أ تكون الإمامه فی عمٍّ أو خالٍ؟ فقال: لا. فقلت: ففی أخ، قال: لا ...»؛ (۶) «آیا امامت در عمو یا دایی قرار خواهد گرفت؟ فرمود: خیر. عرض کردم: دو برادر چطور؟ فرمود: خیر ...».

ص: ۷۰

۱- ۱۴۵. کمال الدین، ص ۹۲.

۲- ۱۴۶. المقالات و الفرق، ص ۱۰۲.

۳- ۱۴۷. فرق الشیعه، ص ۱۱۰.

۴- ۱۴۸. کافی، ج ۱، ص ۲۸۵، ح ۱.

۵- ۱۴۹. همان، ص ۲۸۶، ح ۴.

۶- ۱۵۰. همان، ح ۳.

احمد کاتب می گوید: «مطابق حدیث ابو الأدیان عموم شیعه که در ضمن آن ها نایب اول وجود داشت به جعفر در سوگ امام عسکری علیه السلام تعزیت گفته و نیز به جهت امامت او، تهنیت گفتند.

در پاسخ او می گوییم:

۱ - با مراجعه به حدیث ابو الأدیان (۱) پی می بریم که برداشت احمد کاتب به طور عموم صحیح نیست. بلکه آنچه در آن حدیث آمده این است که ابو الأدیان می گوید: «... وإذا أنا بجعفر بن علی أخیه بیاب الدار والشیعه حوله یعزونه ویهنئونه...»؛ «... ناگهان جعفر بن علی برادر امام عسکری علیه السلام را کنار درب خانه دیدم در حالی که شیعیانی که دور او بودند به او تعزیت و تبریک می گفتند.» از این تعبیر استفاده می شود که برخی از شیعیان که هنوز امر امامت حضرت مهدی علیه السلام به جهت اختفای ولادت روشن نشده بود به گمان اینکه او امام است درصدد تهنیت او برآمدند.

۲ - در این روایت اثری از نایب اول عثمان بن سعید که به جعفر تعزیت و تبریک بگوید وجود ندارد. و این نسبتی دروغ است که کاتب به نایب اول داده است.

۳ - با مراجعه به مجموعه روایت ابو الأدیان استفاده می شود که جعفر در ادعای خود دروغ گو بوده است.

ابوالادیان می گوید: «فلما صرنا فی الدار إذا نحن بالحسن بن علی صلوات

ص: ۷۱

اللَّهِ عَلَيْهِ عَلِيٌّ نَعِشُهُ مَكْفَنًا فَتَقَدَّمَ جَعْفَرُ بْنُ عَلِيٍّ لِيَصَلِّيَ عَلَيَّ أَيْخِيهِ، فَلَمَّا هَمَّ بِالتَّكْبِيرِ خَرَجَ صَبِيٌّ بِوَجْهِهِ سَمْرَهَ، بِشَعْرِهِ قَطَطٌ، بِأَسْنَانِهِ تَفْلِيحًا، فَجَبَذَ بَرْدَاءَ جَعْفَرِ بْنِ عَلِيٍّ وَقَالَ: تَأَخَّرَ يَا عَمُّ فَأَنَا أَحَقُّ بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ أَبِي، فَتَأَخَّرَ جَعْفَرُ، وَقَدْ أَرَبَدَ وَجْهَهُ وَاصْفَرَ فَتَقَدَّمَ الصَّبِيُّ وَصَلَّى عَلَيْهِ وَدَفَنَ إِلَى جَانِبِ قَبْرِ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ثُمَّ قَالَ: يَا بَصْرِي هَاتِ جَوَابَاتِ الْكُتُبِ الَّتِي مَعَكَ، فَدَفَعْتُهَا إِلَيْهِ؛ (١) «... هنگامی که به خانه حضرت رسیدم مشاهده کردم که نعش حسن بن علی علیهما السلام کفن پیچ است. جعفر جلو آمد تا بر جنازه برادرش نماز بگذارد، همین که خواست تکبیر نماز میت بگوید، کودکی گندم گون، با موهای فری، دندان های باز، از پشت پرده بیرون آمد و ردای جعفر بن علی را کشید و فرمود: «کنار برو ای عمو، زیرا من سزاوارترم که بر پدرم نماز گزارم». جعفر در حالی که رنگ صورتش تغییر کرده بود کنار رفت. این کودک جلو آمد و بر جنازه امام عسکری علیه السلام نماز گزارد و جنازه کنار قبر پدرش علیه السلام به خاک سپرده شد. آن گاه فرمود: ای بصری! جواب نامه های که با توست به من بده. من هم آن ها را به حضرت دادم...».

و نیز ابوالادیان می گوید: «هنگامی که جعفر را چنین دیدم با خود گفتم: اگر این مرد امام است پس در حقیقت امامت باطل شده است، زیرا من او را آن گونه که می شناسم شخصی است که شرب نبیذ (مسکر) می کند و نیز با جوسق قمار کرده و با طنبور بازی می کند...» (٢).

ص: ٧٢

١- ١٥٢. کمال الدین، ص ٤٧٥ و ٤٧٦؛ بحار الأنوار، ج ٥٢، ص ٦٧، ح ٥٣.

٢- ١٥٣. همان.

ولادت مهدی موعود «علیه السلام» از دیدگاه اهل سنت

ولادت مهدی موعود «علیه السلام» از دیدگاه اهل سنت

ص: ۷۳

ولادت امام مهدی علیه السلام از موارد اختلاف شیعه و اهل سنت است؛ گرچه تعداد بی شماری از علمای اهل سنت، همانند شیعه امامیه معتقدند امام عسکری علیه السلام فرزندی به نام محمد داشته است هم چنین برخی از آنان، همانند شیعه معتقدند که صاحب الزمان و مهدی و کسی که در آخر زمان قیام می کند هموست، اما بعضی دیگر، از اهل سنت با این عقیده مخالفند. اکنون به بررسی این موضوع می پردازیم.

اعتراف اهل سنت به ولادت

اعتراف اهل سنت به ولادت

با مراجعه به کتاب های تاریخی و دیگر کتاب های اهل سنت پی می بریم که عده بسیاری از آن ها به ولادت حضرت مهدی علیه السلام اعتراف نموده اند. اینک به اسامی برخی از آنان اشاره می کنیم:

۱ - علامه شمس الدین قاضی ابن خلکان شافعی (متوفای ۶۸۱ه)

او می گوید: «ابوالقاسم محمد بن الحسن العسکری، ابن علی الهادی، ابن محمد الجواد المذكور قبله، ثانی عشر الأئمه الاثنی عشر علی اعتقاد الامامیه المعروف بالحجه ... کانت ولادته یوم الجمعه منتصف شعبان سنه ۲۵۵ ه ولّمّا توفّی ابوه کان عمره خمس سنین»؛ (۱) «ابوالقاسم محمد بن حسن

ص: ۷۵

عسکری فرزند علی هادی فرزند محمد جواد، دوازدهمین امام نزد شیعه دوازده امامی معروف به حجت ... ولادت او در روز جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری اتفاق افتاد. هنگام وفات پدرش پنج سال داشت ...».

۲ - علامه صلاح الدین خلیل بن اَبیک صفدی

«الحجه المنتظر محمد بن الحسن العسکری بن علی الهادی بن محمد الجواد بن علی الرضا بن موسی کاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن زین العابدین علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب رضی الله عنهم، الحجه المنتظر، ثانی الأئمه الإثنی عشر، هذا الذی تزعم الشیعه أنه المنتظر القائم المهدي ... ولد نصف شعبان سنه خمس وخمسين ومأتین ...» (۱) «حجت منتظر محمد بن حسن عسکری فرزند علی هادی، فرزند محمد جواد، فرزند علی رضا، فرزند موسی کاظم، فرزند جعفر صادق، فرزند محمد باقر، فرزند زین العابدین، فرزند حسین بن علی، فرزند علی بن ابی طالب، حجت منتظر، دوازدهمین امام نزد شیعه امامیه که به اعتقاد آن ها، او قائم مهدی می باشد ... و در سال ۲۵۵ هجری نیمه شعبان متولد شده است ...».

۳ - ابن اثیر جزری

وی در مورد حوادث سال ۲۶۰ هجری می گوید: «وفیها توفی ... ابو محمد العلوی العسکری وهو احد الأئمه الإثنی عشر علی مذهب الامامیه، وهو والد محمد الذی یعتقدونه المنتظر بسرداب سامراء ...» (۲) «در آن سال ابو محمد علوی عسکری وفات یافت. او یکی از امامان دوازده گانه طبق مذهب

ص: ۷۶

۱- ۱۵۵. الوافی بالوفیات، ج ۲، ص ۳۳۶.

۲- ۱۵۶. الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۴۵۴.

امامیه است. فرزند او محمد است که امامیه در سرداب سامرا به انتظار او نشسته اند ...».

۴ - علامه میر خواند

«کانت ولاده الامام المهدي المسمى باسم الرسول صلى الله عليه وآله والمكّنى بكنيته بسرّ من رأى فى ليله النصف من شعبان سنه ۲۵۵، وكان عمره وقت وفاه ابيه خمس سنين. آتاه الحكمة كما آتاها يحيى صبياً وجعله فى الطفوليه اماماً، كما جعل عيسى نبياً»؛^(۱) «ولادت امام مهدى که هم نام رسول اکرم صلى الله عليه وآله و هم کنیه با او است در سامرا نیمه شعبان سال ۲۵۵ اتفاق افتاد. عمر او هنگام وفات پدرش پنج سال بود. خداوند متعال در آن سن به او حکمت داد؛ همان گونه که در کودکی به حضرت یحیی عنایت فرمود و او را امام قرار داد و حضرت عیسی را نیز به مقام نبوت برگزید ...».

۵ - علی بن حسین مسعودی (متوفای ۳۴۶هـ)

«وفى سنه ستين و مأتين قبض ابو محمد الحسن بن على بن محمد بن موسى بن جعفر بن محمد بن على بن الحسن بن على ابى طالب - عليهم السلام - فى خلافه المعتمد، وهو ابن تسع وعشرين سنه وهو ابوالمهدى المنتظر والامام الثانى عشر ...»؛^(۲) «در سال ۲۶۰ هجری ابو محمد حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام در عصر خلافت معتمد عباسی رحلت نمود، در حالی که ۲۹ سال داشت. او پدر مهدی منتظر و امام دوازدهم امامیه است ...».

ص: ۷۷

۱- ۱۵۷. روضه الصفا، ج ۳، ص ۵۹.

۲- ۱۵۸. مروج الذهب، ج ۴، ص ۱۱۲.

۶ - ابوالفداء اسماعیل بن علی شافعی (متوفای ۵۲۳ه)

او در رخدادهای تاریخ سال ۲۵۴ه می گوید: «والحسن العسکری المذكور هو والد محمّد المنتظر صاحب السرداب. ومحمّد المنتظر المذكور هو ثانی عشر الأئمه الاثنی عشر علی رأی الامامیه. ويقال له: القائم والمهدی والحجه ...»؛^(۱) «حسن عسکری پدر محمّد منتظر صاحب سرداب است. محمّد منتظر طبق رأی امامیه دوازدهمین امام است. از القاب او قائم، مهدی و حجت است ...».

۷ - علامه محمّد فرید وجدی

او می گوید: «ابوالقاسم محمّد بن الحسن العسکری بن علیّ الهادی ... هو ثانی عشر الأئمه الاثنی عشر فی اعتقاد الامیه المعروف بالحجه ... فهم يدعون أنه دخل السرداب فی دار ابيه وائمه تنظر اليه فلم يخرج بعدُ اليها ...»؛^(۲) «ابوالقاسم محمّد بن حسن عسکری فرزند علی هادی ... بنا بر اعتقاد امامیه، دوازدهمین امام از امامان و معروف به حجت است ... شیعه معتقد است که او داخل سرداب خانه پدرش شده در حالی که مادرش او را نظاره می کرد و هنوز خارج نشده است ...».

۸ - سبط بن جوزی

وی در فصلی راجع به امام حجت حضرت مهدی علیه السلام می گوید: «محمّد بن الحسن بن علی بن محمّد ... وکنيته ابو عبدالله وابوالقاسم وهو الخلف الحجه

ص: ۷۸

۱- ۱۵۹. المختصر فی اخبار البشر، معروف به تاریخ ابوالفداء، ج ۱، ص ۳۶۱.

۲- ۱۶۰. دائره المعارف، ج ۶، ص ۴۳۹.

صاحب الزمان القائم والمنتظر...»؛^(۱) «محمد بن حسن بن علی بن محمد... کنیه او ابو عبدالله و ابوالقاسم است و او جانشین و حجت، صاحب الزمان و قائم و منتظر است...».

۹ - محمد بن طلحه شافعی

او در شرح حال امام مهدی علیه السلام می گوید: «محمد بن الحسن الخالص بن علی المتوکل بن محمد... فاما مولده فبسر من رأی... و کنیته: ابوالقاسم ولقبه: الحجه والخلف الصالح، وقيل: المنتظر»؛^(۲) «محمد بن حسن خالص فرزند علی متوکل فرزند محمد... در سامرا متولد شد... کنیه اش ابوالقاسم و لقبش حجت، خلف صالح و بنا بر قولی منتظر است...».

۱۰ - شمس الدین محمد بن طولون حنفی (متوفای ۹۵۳ه)

او در شرح حال امامان می گوید: «وثانی عشرهم ابنه محمد بن الحسن، وهو ابوالقاسم... کانت ولادته - رض - يوم الجمعة منتصف شعبان سنة خمس وخمسين و مأتين. ولما توفي ابوه المتقدم ذكره - رضي الله عنهما - كان عمره خمس سنين»؛^(۳) «... دوازدهمین آنان، فرزندش محمد بن حسن ابوالقاسم است... ولادتش در روز جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری اتفاق افتاد و هنگام وفات پدر، پنج سال داشت...».

۱۱ - میرزا محمد بن رستم بدخشی شافعی

او در شرح حال امام حسن عسکری می گوید: «و لم يترك ولداً الا محمد

ص: ۷۹

۱- ۱۶۱. تذکره الخواص، ص ۳۷۷.

۲- ۱۶۲. مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، ج ۲، ص ۱۵۲ و ۱۵۳، باب ۱۲.

۳- ۱۶۳. الشذرات الذهبیه، ص ۱۱۷ و ۱۱۸.

المنتظر ...»؛^(۱) «... او فرزندی جز محمد منتظر، از خود به جای نگذاشت ...».

۱۲ - احمد بن حجر هیتمی شافعی

وی بعد از شرح حال ابومحمّد حسن عسکری می گوید: «ولم یخلف غیر ولده ابی القاسم محمد الحجه وعمره عند وفاه ابیه خمس سنین، لکن آتاه الله فیها الحکمه. ویسمی القائم المنتظر»؛^(۲) «حسن عسکری فرزندی جز ابی القاسم محمد حجت بر جای نگذاشت. عمرش هنگام وفات پدر، پنج سال بود. اما خداوند به او در آن پنج سال حکمت آموخت. او را قائم منتظر می نامند ...».

۱۳ - محیی الدین بن عربی

او می گوید: «و اعلموا انه لا بدّ من خروج المهدي عليه السلام، لکن لا یخرج حتی تمتلئ الارض جوراً وظلماً فیملؤها قسطاً وعدلاً ... وهو من عتره رسول الله صلی الله علیه وآله من ولد فاطمه رضی الله عنها، جده الحسین بن علی بن ابی طالب. ووالده حسن العسکری ابن الامام علیّ النقی ... یواطی اسمه اسم رسول الله صلی الله علیه وآله یبایعه المسلمون بین الرکن والمقام ...»؛^(۳) «بدانید که خروج مهدی حتمی است. خروج نمی کند تا زمین پر از جور و ظلم شده باشد؛ آن گاه آن را پر از عدل و داد خواهد کرد ... او از عترت رسول خدا و از فرزندان فاطمه است. جدش حسین بن علی بن ابی طالب و پدرش حسن عسکری فرزند امام علیّ نقی ... و هم نام رسول خداوند است. مسلمانان با او بین رکن و مقام بیعت می کنند ...».

۱۴ - مؤمن بن حسن شبلنجی شافعی (متوفای ۵۱۲۹۸هـ)

او می گوید: «کانت وفاه ابی محمد الحسن بن علی فی یوم الجمعه لثمان

ص: ۸۰

۱- ۱۶۴. مفتاح النجا فی مناقب آل العباس، ص ۱۰۴.

۲- ۱۶۵. صواعق المحرقة، ص ۲۰۸.

۳- ۱۶۶. فتوحات مکیه، باب ۳۶۶.

خلون من شهر ربيع الاول سنه ستين و مأتين. و خلف من الولد ابنه محمداً... امه ام ولد يقال لها نرجس... وكنيته ابوالقاسم. ولقبه الاماميه بالحجه والمهدى والخلف الصالح والقائم والمنتظر وصاحب الزمان واشهرها المهدى؛^(۱) «وفات ابى محمد حسن بن على در روز جمعه هشتم ربيع الاول سال ۲۶۰ه اتفاق افتاد. او فرزندی به جای گذاشت که نامش محمد است. مادرش ام ولد و نرجس نام داشت. کنیه اش ابوالقاسم و القابش نزد امامیه: حجت، مهدی، خلف صالح، قائم، منتظر و صاحب الزمان است و مشهورترین آن ها مهدی است...».

۱۵ – ابوالولید محمد بن شحنه حنفی

«ولد لهذا الحسن [العسکری] ولده المنتظر ثانی عشرهم. يقال له المهدى و القائم والحجه، محمد. ولد فى سنه خمس وخمسين و مأتين»؛^(۲) «خداوند به حسن عسکری فرزندی عنایت فرمود که انتظار او را می کشیدند. وی دوازدهمین امام نزد امامیه است. نامش محمد و القابش مهدی، قائم و حجت است. ولادتش در سال ۲۵۵ هجری اتفاق افتاد».

۱۶ – شیخ محمد بن علی صبان شافعی

وی ولادت حضرت حجت علیه السلام را از شعرانی و محیی الدین ابی عربی نقل می کند و بر آن ایرادی نمی گیرد که این دلیل بر قبول داشتن آن قول است.^(۳)

ص: ۸۱

۱- ۱۶۷. نورالابصار، ص ۳۴۱ و ۳۴۲.

۲- ۱۶۸. روضه المناظر در حاشیه مروج الذهب، ج ۱، ص ۲۹۴.

۳- ۱۶۹. اسعاف الراغبین در حاشیه نور الابصار، ص ۱۵۴.

۱۷ - شیخ صفی الدین عبدالؤمن بغدادی (متوفای ۵۷۳۹هـ)

او می گوید: «و فی هذا المشهد یعنی مشهد العسکریین علیهما السلام سرداب فیه سرب تزعم الرافضه أنه کان للحسن بن علی الذی ذکرناه، له ابن اسمه محمد صغیر غاب فی ذلك السرب ...»؛^(۱) «در این مشهد - یعنی مشهد عسکریین علیهما السلام - سردابی است که رافضه معتقدند برای حسن بن علی است. از او فرزندی است به نام محمد صغیر که می گویند در آن سرداب مخفی شده است ...».

۱۸ - شیخ زین الدین عمر بن وردی (متوفای ۵۷۴۹هـ)

«و الحسن العسکری والد محمد المنتظر صاحب السرداب والمنتظر ثانی عشرهم ویلقب ایضاً القائم والمهدی والحجه. ومولد المنتظر سنه خمس وخمسين ومأتین ...»؛^(۲) «... و حسن عسکری پدر محمد منتظر صاحب سرداب دوازدهمین امام شیعه. لقبش قائم، مهدی و حجت است. ولادت او در سال ۲۵۵ هجری اتفاق افتاد ...».

۱۹ - ابوالعباس احمد بن علی قلقشندی شافعی

او که عالمی متخصص در انساب است، در بیان نسب امام جعفر صادق و فرزندان آن حضرت، فرزندش مهدی علیه السلام را از امام عسکری علیه السلام دوازدهمین امام شیعیان به حساب می آورد که شیعه معتقد به زنده بودن اوست. از ظاهر عبارت او استفاده می شود که قلقشندی معتقد به ولادت امام مهدی علیه السلام است، ولی اعتقاد به زنده بودن را به شیعه نسبت می دهد.^(۳)

ص: ۸۲

۱- ۱۷۰. مرصد الاطلاع، ج ۲، ص ۶۸۵.

۲- ۱۷۱. تتمه المختصر فی اخبار البشر، ج ۱، ص ۳۱۹.

۳- ۱۷۲. نهاییه الارب، ص ۱۱۸.

۲۰ - ابو عبدالله یاقوت حموی

او عبارتی شبیه صفی الدین عبدالؤمن بغدادی آورده است. (۱)

۲۱ - محمد امین بغدادی معروف به سویی

او که از متخصیصان در انساب است، می گوید: «محمد المهدی، وکان عمره عند وفاه ایبه خمس سنین ... زعم الشیعه ... انه صاحب السیف القائم المنتظر قبل قیام الساعة. وله قبل قیامه غیبتان احد هما اطول من الأخری»؛ (۲) «محمد مهدی، عمرش هنگام وفات پدر پنج سال بود ... شیعه او را همان صاحب شمشیری می داند که قبل از برپایی قیامت قیام خواهد کرد. او را دو غیبت است که یکی از آن دو از دیگری طولانی تر است».

۲۲ - ابن خلدون مغربی (متوفای ۸۰۸هـ)

او می گوید: «نقلوا الخلافة من جعفر ... الی ابنه موسی الكاظم وولده علی سلسله واحده الی تمام الاثنی عشر وهو محمد المهدی»؛ «رافضه خلافت را بعد از جعفر بن محمد به فرزندش موسی کاظم و از او به فرزندش رضا و از او به جواد و از او به علی و سپس عسکری و از او به فرزندش محمد مهدی منتقل نموده اند ...» (۳).

از این عبارت استفاده می شود که ابن خلدون ولادت حضرت علیه السلام را قبول دارد، ولی خلافت او را به شیعه نسبت می دهد.

۲۳ - ابوالفتح محمد بن عبدالکریم شهرستانی (متوفای ۵۴۸هـ)

او می گوید: «و بعده ابنه محمد القائم المنتظر الذی بسر من رأی وهو

ص: ۸۳

۱- ۱۷۳. معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۷۳.

۲- ۱۷۴. سبائك الذهب، ص ۷۸.

۳- ۱۷۵. تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۳۶۱.

الثانی عشر. هذا هو طریق الامامیه فی زماننا»؛^(۱) «... بعد از حسن عسکری فرزندش محمد قائم منتظر - که ساکن سامرا بود - نزد شیعه به امامت رسید. او دوازدهمین امام نزد آنان است».

۲۴ - نور الدین ابن صباغ مالکی

او در فصل دوازدهم از کتابش می گوید: «ابوالقاسم محمد الحجه الخلف الصالح ابن ابی محمد الحسن الخالص وهو الامام الثانی عشر. ثم ذکر تاریخ ولادته ودلائل امامته»؛^(۲) «ابوالقاسم محمد حجت خلف صالح فرزند ابو محمد حسن خالص، امام دوازدهم است. آن گاه به تاریخ ولادت و دلایل امامت او می پردازد ...».

۲۵ - محمد بن محمود بخاری معروف به خواجه پارسا حنفی

وی چنین می گوید: «من ائمه اهل البيت الطيبين ابو محمد الحسن العسکری ... لم يخلف ولداً غير ابی القاسم محمد المنتظر المسّمى بالقائم والحجه والمهدى وصاحب الزمان وخاتم الائمة الاثنى عشر عند الاماميه. وكان مولد المنتظر ليله النصف من شعبان سنه ۲۵۵»؛^(۳) «از امامان اهل بيت طيبين ابو محمد حسن عسکری است ... او فرزندى جز ابوالقاسم محمد منتظر معروف به قائم، حجت، مهدى، صاحب الزمان و خاتم امامان دوازده اماميه بر جای نگذاشت. ولادتش در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری بوده است ...».

ص: ۸۴

۱- ۱۷۶. الفصول المهمه، ص ۲۷۳.

۲- ۱۷۷. الفصول المهمه، ص ۲۷۳.

۳- ۱۷۸. المرقاه فی شرح المشکاه، ج ۱۰، ص ۳۳۶ و ۳۳۷.

۲۶ - ملاعلی قاری حنفی مکی (متوفای ۱۰۱۴هـ)

وی در شرح حدیث دوازده خلیفه می گوید: «و قد حمل الشیعه الاثنی عشریه علی أنّهم من اهل بیت النبوه متوالیه ... فاؤلّهم علی ... فمحمّد المهدی رضوان اللّٰه علیهم اجمعین»؛^(۱) «شیعه دوازده امامی آن ها را بر اهل بیت نبوت به طور پیاپی منطبق می کند ... که اوّل آن ها علی علیه السلام است و ... آخر آن ها محمّد مهدی است. رضوان اللّٰه علیهم اجمعین».

۲۷ - فضل بن روز بهان

او در سلام هایی که بر هر یک از امامان از ذریه رسول خداصلی الله علیه وآله می دهد، به اینجا می رسد: «سلام علی القائم المنتظر ابی القاسم»؛^(۲) «سلام بر قائم منتظر ابی القاسم ...».

۲۸ - جمال الدین محمّد بن یوسف زرنندی حنفی (متوفای ۳۲۷۵۰هـ)

او می گوید: «الامام الثانی عشر صاحب الکرامات المشتهر الذی عظم قدره بالعلم واتباع الحق والأثر، القائم بالحق والداعی الی نهج الحق ... وکان مولده علی ما نقلته الشیعه لیله الجمعه للنصف من شعبان خمس وخمسين و مأتین بسرّ من رأى فی زمان المعتمد. و امه نرجس بنت قیصر الرومیه ...»؛^(۳) «امام دوازدهم صاحب کرامات مشهور، کسی که عظیم القدر در علم و پیروی از حق و سنت نبوی است. کسی که قائم به حق و دعوت کننده به راه حقّ است. ولادت امام ابوالقاسم محمّد بن حسن مطابق نقل شیعه، زمان پادشاهی

ص: ۸۵

۱- ۱۷۹. المرقاه فی شرح المشکاه، ج ۱۰، ص ۳۳۶ و ۳۳۷.

۲- ۱۸۰. دلائل الصدق، ج ۲، ص ۳۷۰.

۳- ۱۸۱. معراج الوصول الی معرفه فضل آل الرسول.

معتمد عباسی، شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری در سامرا اتفاق افتاده است. مادرش نرجس دختر قیصر روم بود ...».

۲۹ - قاضی بهلول بهجت افندی

«ولد فی الخامس عشر من شعبان سنه ۲۵۵، وان اسم امه نرجس وان له غیبتین الاولى الصغری والثانیة الکبری وصرح ببقائه، وانه يظهر حين اذن الله تعالی بالظهور، ويملاً الأرض قسطاً وعدلاً ...»؛ (۱) «ولادت امام دوازدهم در پانزدهم ماه شعبان سال ۲۵۵ بود. اسم مادرش نرجس است. برای او دو غیبت است. یکی صغری و دیگری کبری و تصریح به بقایش کرده است. هر گاه که خداوند به او اذن دهد ظهور می کند، آن گاه زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد ...».

۳۰ - حافظ محمد بن یوسف گنجی شافعی (متوفای ۶۵۸هـ)

او در باب ۲۵ از کتاب خود، در بحث از طول عمر حضرت علیه السلام می گوید: «ولا امتناع فی بقاءه بدلیل بقاء عیسی والیاس والخضر من اولیاء الله تعالی، وبقاء الدجال وابلیس الملعونین من اعداء الله تعالی ...»؛ (۲) «بقایش استبعادی ندارد، زیرا حضرت عیسی و الیاس و خضر از اولیای الهی عمر طولانی دارند و نیز دجال و ابلیس ملعون از دشمنان خداوند عمر طولانی کردند ...».

۳۱ - احمد امین مصری

او نیز معتقد به ولادت حضرت مهدی علیه السلام فرزند امام عسکری علیه السلام است و این که شیعه معتقد به امامت او به عنوان دوازدهمین امام است، تنها در

ص: ۸۶

۱- ۱۸۲. المحاکمه فی تاریخ آل محمد، ص ۲۴۶.

۲- ۱۸۳. البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۱۴۸.

امامت آن بزرگواران اشکال می گیرد ولی ولادت آن حضرت را قبول می کند. (۱)

۳۲ - شیخ حسین بن محمد دیار بکری مالکی (متوفای ۵۹۶هـ)

او می گوید: «الثانی عشر محمّد بن الحسن بن علی بن محمّد بن علی الرضا، یکنی ابوالقاسم، ولقبه الامامیه بالحجه والقائم والمهدی والمنتظر وصاحب الزمان. وهو عندهم خاتم الاثنی عشر ...»؛ (۲) «دوازدهمین آن ها محمّد بن حسن بن علی بن محمّد بن علی الرضا است. کنیه اش ابوالقاسم و لقبش نزد امامیه: حجت، قائم، مهدی، منتظر و صاحب الزمان است. او نزد امامیه دوازدهمین امام است ...».

۳۳ - شمس الدین ذهبی شافعی (متوفای ۵۷۴هـ)

او در برخی از کتاب هایش به ولادت حضرت مهدی علیه السلام اعتراف نموده است:

الف) در کتاب العبر فی خبر من غیر (۳) می گوید: «محمّد بن الحسن العسکری بن علی الهادی بن محمد الجواد بن علی الرضا بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق العلوی الحسینی ابوالقاسم، الذی تلقبه الرافضه الخلف الحجه وتلقبه بالمهدی وبالمنتظر وتلقبه بصاحب الزمان وهو خاتمه الاثنی عشر»؛ «محمّد بن حسن عسکری بن علی الهادی بن محمد الجواد بن علی الرضا بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق علوی حسینی ابوالقاسم. رافضه او را خلف حجت، مهدی، منتظر، صاحب الزمان و خاتم دوازده امام لقب داده اند».

ص: ۸۷

۱- ۱۸۴. ضحی الاسلام، ج ۳، ص ۲۱۰ - ۲۱۲.

۲- ۱۸۵. دیار بکری، تاریخ الخمیس، ج ۲، ص ۲۸۸.

۳- ۱۸۶. العبر فی الخبر من غیر، ج ۱، ص ۳۸۱.

ب) در کتاب «تاریخ الاسلام» (۱) می گوید: «و امّیا ابنه محمد بن الحسن الذی یدعوه الرافضه القائم الخلف الحجه ...»؛ «فرزند امام حسن عسکری، محمد بن حسن است. رافضه او را قائم و خلف حجت می نامند ...».

ج) در کتاب سیر أعلام النبلاء (۲) می گوید: «المنتظر الشریف ابوالقاسم محمد بن الحسن العسکری ... خاتمه الإثنی عشر سیداً»؛ «منتظر شریف، ابوالقاسم محمد بن حسن عسکری ... خاتم دوازده امام بزرگوار ...».

۳۴ - فخر رازی شافعی

وی در کتابی که در موضوع علم انساب تدوین کرده، می گوید: «امّیا الحسن العسکری الامام فله ابنان و بنتان، امّیا الإبنان فاحدهما صاحب الزمان - عجّل الله تعالی فرجه الشریف - ... دلاله نصوص اکثر المؤرخین و ارباب التراجم و المعاجم علی ولاده الحجه ابن القاسم محمد بن الحسن بن علی العسکری علیهم السلام من صلب ابيه و من رحم امه السیده نرجس فی سنه ۲۵۲ او ۲۵۵ او ۲۵۹ علی اختلاف فی ذلك و ان كان الثابت عند اکثر الشیعہ لیله النصف من شعبان سنه ۲۵۵»؛ (۳) «اما حسن عسکری، او دو پسر و دو دختر داشت. یکی از پسرانش صاحب الزمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - است ...».

آن گاه می نویسد: نصوص اکثر مورّخان و صاحبان تراجم و معاجم بر ولادت حجت ابی القاسم محمد بن حسن بن علی عسکری علیهم السلام اتفاق دارد. او از صلب پدر

ص: ۸۸

۱- ۱۸۷. تاریخ الاسلام، ص ۱۱۳، حوادث و وفیات سال ۲۵۱ - ۲۶۰.

۲- ۱۸۸. سیر أعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۱۱۹، رقم ۶۰.

۳- ۱۸۹. الشجره المبارکه فی أنساب الطالبیه، ص ۷۸ و ۷۹.

و از رحم مادرش نرجس خاتون در سال ۲۵۲ یا ۲۵۵ یا ۲۵۹ هجری به دنیا آمد، اگر چه طبق نظر شیعه در سال ۲۵۵ در شب نیمه شعبان به دنیا آمده است ...».

۳۵ - علامه نسابه سید محمد بن حسین حسینی سمرقندی مدنی (متوفای ۵۹۹۶ه)

او می گوید: «اما ولده محمد المهدی ... فهو الثاني عشر من الأئمة ولد يوم الجمعة منتصف شعبان سنة خمس وخمسين و مائتين ... وكنيته ابوالقاسم والقابه الحجة والخلف الصالح والقائم والمنتظر وصاحب الزمان واشهرها المهدى ... وكان عمره حين توفى ابوه خمس سنين»؛^(۱) «فرزند حسن عسکری، محمد مهدی است ... او دوازدهمین امام از ائمه است. در روز جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری متولد شد ... کنیه اش ابوالقاسم والقابش: حجت، خلف صالح، قائم، منتظر و مشهورترین آن ها مهدی است ... وی هنگام وفات پدر پنج سال داشت».

۳۶ - شریف انس کُتبی حسینی

وی در تعلیقه خود بر کتاب تحفه الطالب می گوید: «اختفی الامام المهدی فی سنّ مبکر. والامر مسلّم بین السنّه والشیعه علی اختلافه وعدم ظهوره. وقد اثبت لنا الکتب التاریخیه أنّ المهدی دخل السرداب وهو صغیر السنّ فلم یکن له عقب وهذا ما اثبتته کتب الانساب ...»؛^(۲) «امام مهدی در کودکی از مردم پنهان شد. این امر نزد شیعه و سنی مسلّم است. کتاب های تاریخ این مطلب

ص: ۸۹

۱- ۱۹۰. تحفه الطالب بمعروفه من ینتسب الی عبداللّه و ابی طالب، ص ۵۴ و ۵۵.

۲- ۱۹۱. تحفه الطالب، ص ۵۵.

را به اثبات رسانده که مهدی علیه السلام در کودکی داخل سرداب شد، در حالی که نسلی نداشت. کتاب های انساب نیز این مطلب را به اثبات رسانده اند ...».

همو در کتاب الأصول فی ذریّه البضعه البتول (۱) می نویسد: «و توفی الحسن العسکری فی اوائل ملک احمد بن المتوکل بسرّ من رأی مسموماً ... وله من الولد محمد المهدی ... و کنیته ابوالقاسم و ابو عبدالله و القابه الحجه و الخلف الصالح و القائم و المنتظر و التالی و صاحب الزمان و اشهرها المهدی ... و کان عمره حین توفی ابوه خمس سنین ...»؛ «حسن عسکری در اوایل سلطنت احمد بن متوکل در سامرا با سمّ به شهادت رسید ... او فرزندی به نام محمد مهدی از خود به جای گذاشت ... کنیه اش ابوالقاسم و ابو عبدالله است. و القابش: حجت، خلف صالح، قائم، منتظر، تالی، صاحب الزمان و مشهورترین آن ها مهدی است ... عمرش هنگام فوت پدر پنج سال بود».

۳۷ - شیخ عبدالله بن محمد شبرای مصری شافعی (متوفای ۱۱۷۲ هـ)

او می گوید: «الثانی عشر من الائمة ابوالقاسم محمد الحجه الامام. قيل: هو المهدی المنتظر. ولد الامام محمد الحجه ابن الامام الحسن الخالص - رض - بسرّ من رأی ليله النصف من شعبان سنه خمس و خمسين و مائتين قبل موت ابيه بخمس سنين، و كان ابوه قد اخفاه حين ولد و ستر امره لصعوبه الوقت و خوفه من الخلفاء ... و كان الامام محمد الحجه يلقب ايضاً بالمهدی و القائم و المنتظر و الخلف الصالح و صاحب الزمان و اشهرها

ص: ۹۰

المهدی. ولذک صحت الاحادیث بانه يظهر آخر الزمان ...»؛^(۱) «دوازدهمین از امامان، ابوالقاسم محمد حجت امام؛ برخی او را همان مهدی منتظر می دانند. ولادت محمد حجت فرزند حسن خالص رضی الله عنه در سامرا نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری پنج سال قبل از وفات پدرش اتفاق افتاد. پدرش به دلیل ترس از خلفا او را از مردم مخفی می داشت. او ملقب به مهدی، قائم، منتظر، خلف صالح، و صاحب الزمان است. و مشهورترین آن ها مهدی است. شیعه می گوید: احادیث صحیح دلالت دارد بر این که او در آخر الزمان ظهور خواهد کرد ...».

۳۸ - ابن عماد دمشقی حنبلی (متوفای ۵۱۰۸۹)

وی در مورد حوادث سال ۲۶۰ هجری می گوید: «وفیها توفی الحسن بن علی بن محمد الجواد بن علی الرضا بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق العلوی الحسینی، احد الاثنی عشر الذین تعتقد الرافضه فیهم العصمه، وهو والد المنتظر محمد صاحب السرداب»؛^(۲) «در آن سال حسن بن علی بن محمد الجواد بن علی الرضا بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق علوی حسینی یکی از امامان دوازده گانه به اعتقاد رافضه، از دار دنیا رحلت نمود. او پدر منتظر محمد صاحب سرداب است».

۳۹ - جمال الدین احمد بن علی حسینی معروف به ابن عنیه (متوفای ۵۸۲۸)

او می گوید: «و اما علی الهادی فیلقب بالعسکری لمقامه بسر من رأی ...»

ص: ۹۱

۱- ۱۹۳. الاتحاف بحب الأشراف، باب ۵، ص ۱۷۹ و ۱۸۰.

۲- ۱۹۴. شذرات الذهب فی أخبار من ذهب، ج ۳، ص ۲۶۵.

واعقب من رجلين هما الامام ابو محمّد الحسن العسكري عليه السلام واخوه جعفر. كان من الزهد والعلم على امر عظيم، وهو والد الامام محمّد القائم المنتظر عندهم من ام ولد اسمها نرجس»؛^(۱) «علی الهادی، ملقب به عسکری به جهت سکونت در سامرا ... دو فرزند داشت: یکی از آن دو، ابو محمّد حسن عسکری علیه السلام و دیگری، جعفر است. حسن عسکری علیه السلام دارای زهد و علم فراوانی بود. او پدر امام محمّد مهدی دوازدهمین امام نزد امامیه صلوات الله علیه است. نزد آن ها کسی است که قیام خواهد کرد. مادرش ام ولد و اسمش نرجس است ...».

۴۰ - محمّد بن عبدالرسول برزنجی شافعی (متوفای ۱۱۰۳هـ)

وی با اعتقاد به ولادت فرزند امام حسن عسکری علیه السلام به نام محمّد، در غیبت صغرا و کبرا و ظهور او اشکال می کند.^(۲)

۴۱ - ابو البرکات نعمان بن محمود آلوسی حنفی (متوفای ۱۳۱۷هـ)

او می گوید: «و المشهور من مذاهبهم مذهب الامامیه الاثنی عشریه أنّ المهدی هو محمّد بن الحسن العسكري بن علی الهادی ... و يعرف عندهم بالحجه والمنتظر والقائم ...»؛^(۳) «مشهورترین مذاهب شیعی، مذهب امامیه دوازده امامی است که می گوید: مهدی همان محمّد بن حسن عسکری بن علی الهادی ... است که نزد امامیه معروف به حجت، منتظر و قائم است ...».

کسانی که مهدی را همان موعود جهانی می دانند

کسانی که مهدی را همان موعود جهانی می دانند

عدّه ای از اهل سنّت که معتقد به ولادت حضرت مهدی علیه السلام هستند او را

ص: ۹۲

۱- ۱۹۵. عمده الطالب فی أنساب آل أبي طالب، ص ۱۹۹.

۲- ۱۹۶. الإشاعه لأشراط الساعة، ص ۱۴۹.

۳- ۱۹۷. غاليه الواعظ، ج ۱، ص ۷۸.

همانند شیعه همان موعود جهانی می دانند. اینک به اسامی برخی از آنان اشاره می نمایم:

۱ - حافظ محمد بن یوسف گنجی شافعی (متوفای ۶۵۸ه)

او درباره امام ابی محمد حسن عسکری چنین می گوید: (۱) «وخلّف ابنه وهو الامام المنتظر. صلوات الله عليه»؛ «از خود فرزندی به جای گذاشت که همان امام منتظر است. صلوات الله عليه».

۲ - عارف عبدالوهاب شعرانی حنفی

وی از برخی عرفا نقل می کند: «فهنالك يترقّب خروج المهدي عليه السلام وهو من اولاد الامام حسن العسکری عليه السلام ومولده عليه السلام ليله النصف من شعبان سنه خمس وخمسين ومأتين. وهو باق الى ان يجتمع بعيسى بن مريم عليه السلام فيكون عمره الى وقتنا هذا وهو سنه ثمان وخمسين وتسعمائه، سبعمائه سنه وست سنين. هكذا اخبرني الشيخ حسن العراقي»؛ (۲) «در آخر الزمان امید خروج مهدی است. او از اولاد امام حسن عسکری علیه السلام است. ولادت او نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری اتفاق افتاد. او تا به حال زنده است تا این که با حضرت عیسی علیه السلام اجتماع کند. عمرش تا این زمان ۷۰۶ سال است. این چنین شیخ حسن عراقی به من خبر داد ...».

۳ - شیخ سلیمان قندوزی حنفی (متوفای ۱۲۹۴ه)

«فالخبر المعلوم المحقق عند الثقات أنّ ولاده القائم عليه السلام كانت ليله

ص: ۹۳

۱- ۱۹۸. کفایه الطالب، ص ۳۱۲.

۲- ۱۹۹. الیواقیت و الجواهر، ج ۲، ص ۱۲۷.

الخامس عشر من شعبان سنة خمس وخمسين ومأتين في بلدة سامراء»؛^(۱) «خبر معلوم و تحقیق شده نزد افراد معتبر آن است که ولادت قائم در شب نیمه ماه شعبان سال ۲۵۵ هجری در شهر سامرا اتفاق افتاده است ...».

۴ - شیخ نور الدین عبدالرحمن جامی حنفی (متوفای ۵۸۹۸)

او حضرت حجت بن الحسن را دوازدهمین امام دانسته است، آن گاه با بیان تاریخ ولادت و احوال و برخی از معجزه هایش، می گوید: «الذی یملاً الارض عدلاً وقسطاً ...»؛^(۲) «او کسی است که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد ...».

۵ - شیخ الاسلام صدر الدین حموی

او در باب ۳۱ از کتابش حدیثی را نقل می کند که دلالت صریح بر ولادت حضرت مهدی علیه السلام دارد. در آن حدیث که پیامبر صلی الله علیه وآله اسامی هر یک از اوصیا و امامان بعد از خود را بر می شمارد، در آخر می فرماید: «وَأَنَّ الثَّانِي عَشْرَ مَنْ وَلَدِي يَغِيبُ ... فحِينَئِذْ يَأْذُنُ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ بِالْخُرُوجِ ...»؛^(۳) «همانا دوازدهمین از فرزندانم غیبت می کند ... تا این که خداوند متعال به او اذن خروج می دهد ...».

۶ - شیخ فرید الدین عطار نیشابوری

او در شعری بعد از ذکر اسامی هر یک از امامان می فرماید:

صد هزاران اولیا روی زمین

از خدا خواهند مهدی را یقین

یا الهی مهدیم از غیب آر

تا جهان عدل گردد آشکار

ص: ۹۴

۱- ۲۰۰. شواهد النبوه ص ۴۰۴ - ۴۰۸.

۲- ۲۰۱. شواهد النبوه ص ۴۰۴ - ۴۰۸.

۳- ۲۰۲. فرائد السمطين، ج ۲، ص ۱۳۲.

از تو ختم اولیای این زمان

و ز همه معنا نهانی جان جان

از تو هم پیدا و پنهان آمده

بنده عطّارت ثنا خوان آمده (۱)

۷ - جلال الدین بلخی رومی معروف به مولوی (متوفای ۶۷۲ه)

وی در دیوان معروف خود - طبق نسخه مدرسه عالی شهید مطهری و نسخه چاپ بمبئی هند - این قصیده را در مدح اهل بیت آورده است:

ای سرور مردان علی مستان سلامت می کنند

وی صفدر مردان علی مردان سلامت می کنند

تا این که بدین جا می رسد:

با میر دین هادی بگو با عسکری مهدی بگو

با آن ولی مهدی بگو مستان سلامت می کنند. (۲)

۸ - ابوالمعالی صدر الدین قونوی

وی هنگام وفات در وصیت خود به شاگردانش می گوید: «واقرؤا کلمه التوحید (لا اله الا الله) سبعین الف مرّه ليله الاولى بحضور القلب وبلغوا منى سلاماً إلى المهدى ...»؛ (۳) «... هفتاد هزار بار ذکر «لا إله إلا الله» را در شب اول مرگم با حضور قلب بگوئید و سلام مرا نیز به حضرت مهدی علیه السلام برسانید ...».

۹ - احمد بن یوسف ابوالعباس قرمانی حنفی (متوفای ۱۰۱۹ه)

او می گوید: «محمّد الحجه الخلف الصالح، وكان عمره عند وفاه ابيه خمس سنين آتاه الله فيها الحكمة كما أوتيتها يحيى صيبا ... واتفق العلماء

ص: ۹۵

۱- ۲۰۳. ینابیع الموده ج ۳، ص ۳۵۰ و ۳۵۱.

۲- ۲۰۴. همان، ج ۳، ص ۳۵۱.

علی انّ المهدی هو القائم فی آخر الوقت ...»^(۱) «محمد حجت خلف صالح، عمرش هنگام وفات پدرش پنج سال بود. خداوند در آن سن به او حکمت آموخت، همان گونه که در کودکی به حضرت یحیی علیه السلام آموخت ... علما اتفاق دارند بر این که مهدی همان قائم در آخرالزمان است ...».

ص: ۹۶

۱- ۲۰۶. أخبار الدول و آثار الأول، ج ۱، ص ۳۵۳.

سلسله کتب چاپ شده از مؤلف پیرامون مهدویت

- ۱ - تولد حضرت مهدی علیه السلام
- ۲ - امامت در سنین کودکی
- ۳ - امامت و غیبت
- ۴ - غیبت صغری
- ۵ - غیبت کبری
- ۶ - وظایف ما در عصر غیبت
- ۷ - اماکن مقدسه مرتبط با حضرت مهدی علیه السلام
- ۸ - بررسی دعای ندبه
- ۹ - دکترین مهدویت تنها راه نجات بشر
- ۱۰ - دفاع از مهدویت
- ۱۱ - فلسفه حکومت عدل جهانی
- ۱۲ - نظریه پردازی درباره آینده جهان
- ۱۳ - منجی از دیدگاه ادیان
- ۱۴ - وجود امام مهدی علیه السلام از منظر قرآن و حدیث
- ۱۵ - وجود امام مهدی علیه السلام در پرتو عقل
- ۱۶ - مهدویت و جهانی سازی
- ۱۷ - قرآن و ظهور حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۸ - علایم ظهور
- ۱۹ - هنگامه ظهور

۲۰ - حکومت حضرت مهدی علیه السلام در عصر ظهور

ص: ۹۷

فهرست منشورات مسجد مقدّس جمکران

- ۱- قرآن کریم/چهار رنگ - گلاسه رحلی خط نیریزی / الهی قمشه ای
- ۲- قرآن کریم/نیم جیبی (کیفی) خط عثمان طه / الهی قمشه ای
- ۳- قرآن کریم/وزیری (بدون ترجمه) خط عثمان طه
- ۴- قرآن کریم/وزیری (ترجمه زیر، ترجمه مقابل) خط عثمان طه / الهی قمشه ای
- ۵- قرآن کریم/(وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط نیریزی / الهی قمشه ای
- ۶- کلیات مفاتیح الجنان/عربی انتشارات مسجد مقدّس جمکران
- ۷- کلیات مفاتیح الجنان/(وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای
- ۸- منتخب مفاتیح الجنان/ (جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای
- ۹- منتخب مفاتیح الجنان/ (جیبی، نیم جیبی) خط خاتمی / الهی قمشه ای
- ۱۰- نهج البلاغه/(وزیری، جیبی) سید رضی رحمه الله/محمد دشتی
- ۱۱- صحیفه سجاده ویرایش حسین وزیری/الهی قمشه ای
- ۱۲- ادعیه و زیارات امام زمان علیه السلام واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران
- ۱۳- آئینه اسرار حسین کریمی قمی
- ۱۴- آثار گناه در زندگی و راه جبران علی اکبر صمدی
- ۱۵- آخرین پناه محمود ترحمی
- ۱۶- آخرین خورشید پیدا واحد تحقیقات
- ۱۷- آشنایی با چهارده معصوم (۲۱و)/شعر و رنگ آمیزی سید حمید رضا موسوی
- ۱۸- آقا شیخ مرتضی زاهد محمد حسن سیف اللهی
- ۱۹- آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم) واحد پژوهش

۲۰ - ارتباط با خدا واحد تحقیقات

۲۱ - از زلال ولایت واحد تحقیقات

۲۲ - اسلام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۲۳ - امامت، غیبت، ظهور واحد پژوهش

ص: ۹۹

- ۲۴ - امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام علم الهدی / واحد تحقیقات
- ۲۵ - امامت و ولایت در امالی شیخ صدوق سید محمد حسین کمالی
- ۲۶ - امام رضا، امام مهدی و حضرت معصومه علیهم السلام (روسی) آلمات آبسالیکوف
- ۲۷ - امام رضا علیه السلام در رزمگاه ادیان سهراب علوی
- ۲۸ - امام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی
- ۲۹ - انتظار بهار و باران واحد تحقیقات
- ۳۰ - انتظار و انسان معاصر عزیز الله حیدری
- ۳۱ - اهمیت اذان و اقامه محمد محمدی اشتهاردی
- ۳۲ - با اولین امام در آخرین پیام حسین ایرانی
- ۳۳ - بامداد بشریت محمد جواد مروّجی طبسی
- ۳۴ - بهتر از بهار/کودک شمس (فاطمه) وفائی
- ۳۵ - پرچمدار نینوا محمد محمدی اشتهاردی
- ۳۶ - پرچم هدایت محمد رضا اکبری
- ۳۷ - پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و تروریسم و خشونت طلبی علی اصغر رضوانی
- ۳۸ - پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و جهاد و برده داری علی اصغر رضوانی
- ۳۹ - پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و حقوق اقلیت ها و ارتداد علی اصغر رضوانی
- ۴۰ - پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و حقوق زن علی اصغر رضوانی
- ۴۱ - پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و صلح طلبی علی اصغر رضوانی
- ۴۲ - تاریخ امیر المؤمنین علیه السلام / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری
- ۴۳ - تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله/ دو جلد شیخ عباس صفایی حائری

۴۴ - تاریخچه مسجد مقدس جمکران/ (فارسی، عربی، اردو، انگلیسی) واحد تحقیقات

۴۵ - تاریخ سید الشهداء علیه السلام شیخ عباس صفایی حائری

۴۶ - تجلیگاه صاحب الزمان علیه السلام سید جعفر میرعظیمی

۴۷ - تشریح یافتگان (چهار دفتر) میرزا حسین طبرسی نوری

۴۸ - جلوه های پنهانی امام عصر علیه السلام حسین علی پور

۴۹ - چهارده گفتار ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام حسین گنجی

ص: ۱۰۰

۵۰ - چهل حدیث / امام مهدی علیه السلام در کلام امام علی علیه السلام سید صادق سیدنژاد

۵۱ - چهل حدیث برگزیده از پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله احمد سعیدی

۵۲ - حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت محمد محمدی اشتهاردی

۵۳ - حکمت های جاوید محمد حسین فهیم نیا

۵۴ - ختم سوره های یس و واقعه واحد پژوهش

۵۵ - خزائن الاشعار (مجموعه اشعار) عباس حسینی جوهری

۵۶ - خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب) رضا استادی

۵۷ - خوشه های طلایی (مجموعه اشعار) محمد علی مجاهدی (پروانه)

۵۸ - دار السلام شیخ محمود عراقی میثمی

۵۹ - داستان هایی از امام زمان علیه السلام حسن ارشاد

۶۰ - داغ شقایق (مجموعه اشعار) علی مهدوی

۶۱ - در انتظار منجی (روسی) آلمات آبسالیکوف

۶۲ - در جستجوی نور صافی، سبجانی، کورانی

۶۳ - در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم) شیخ عباس قمی / کمره ای

۶۴ - دفاع از حریم امامت و ولایت (مختصر شب های پیشاور) کریم شنی

۶۵ - دلشده در حسرت دیدار دوست زهرا قرلقاشی

۶۶ - دین و آزادی محمد حسین فهیم نیا

۶۷ - رجعت یا حیات دوباره احمد علی طاهری ورسی

۶۸ - رسول ترک محمد حسن سیف اللهی

۶۹ - روزنه هایی از عالم غیب سید محسن خرازی

۷۰- زیارت ناحیه مقدّسه واحد تحقیقات

۷۱- سحاب رحمت عباس اسماعیلی یزدی

۷۲- سخنرانی مراجع در مسجد جمکران واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران

۷۳- سرود سرخ انار الهه بهشتی

۷۴- سقا خود تشنه دیدار طهورا حیدری

۷۵- سلفی گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

ص: ۱۰۱

۷۶ - سیاحت غرب آقا نجفی قوچانی

۷۷ - سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی دکتر عبد اللهی

۷۸ - سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام (دو جلدی) محمد امینی گلستانی

۷۹ - سیمای مهدی موعود علیه السلام در آئینه شعر فارسی محمد علی مجاهدی (پروانه)

۸۰ - شرح زیارت جامعه کبیره (ترجمه الشموس الطالعه) محمد حسین نائجی

۸۱ - شمس وراء السحاب / عربی السید جمال محمد صالح

۸۲ - صبح فرا می رسد مؤسسه فرهنگی تربیتی توحید

۸۳ - ظهور حضرت مهدی علیه السلام سید اسد الله هاشمی شهیدی

۸۴ - عاشورا تجلی دوستی و دشمنی سید خلیل حسینی

۸۵ - عریضه نویسی سید صادق سید نژاد

۸۶ - عطر سبب حامد حجتی

۸۷ - عقد الدرر فی أخبار المنتظر علیه السلام / عربی المقدس الشافعی

۸۸ - علی علیه السلام مروارید ولایت واحد تحقیقات

۸۹ - علی علیه السلام و پایان تاریخ سید مجید فلسفیان

۹۰ - غدیر خم (روسی، آذری لاتین) علی اصغر رضوانی

۹۱ - غدیرشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۹۲ - فتنه و هابیت علی اصغر رضوانی

۹۳ - فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام سید محمد واحدی

۹۴ - فرهنگ اخلاق عباس اسماعیلی یزدی

۹۵ - فرهنگ تربیت عباس اسماعیلی یزدی

۹۶ - فرهنگ درمان طبیعی بیماری‌ها (پخش) حسن صدری

۹۷ - فوز اکبر محمد باقر فقیه ایمانی

۹۸ - فریادرس حسن محمودی

۹۹ - قصه‌های تربیتی محمد رضا اکبری

۱۰۰ - کرامات المهدی علیه السلام واحد تحقیقات

۱۰۱ - کرامت‌های حضرت مهدی علیه السلام واحد تحقیقات

ص: ۱۰۲

- ۱۰۲ - کمال الدین و تمام النعمه (دو جلد) شیخ صدوق رحمه الله/منصور پهلوان
- ۱۰۳ - کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار) حسن بیاتانی
- ۱۰۴ - گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار) علی اصغر یونسیان (ملتجی)
- ۱۰۵ - گفتمان مهدویت آیت الله صافی گلپایگانی
- ۱۰۶ - گنجینه نور و برکت، ختم صلوات مرحوم حسینی اردکانی
- ۱۰۷ - مام فضیلت ها عباس اسماعیلی یزدی
- ۱۰۸ - مشکاه الانوار علامه مجلسی رحمه الله
- ۱۰۹ - مفرد مذکر غائب علی مؤذنی
- ۱۱۰ - مکیال المکارم (دو جلد) موسوی اصفهانی / حائری قزوینی
- ۱۱۱ - منازل الآخرة، زندگی پس از مرگ شیخ عباس قمی رحمه الله
- ۱۱۲ - منجی موعود از منظر نهج البلاغه حسین ایرانی
- ۱۱۳ - منشور نینوا مجید حیدری فر
- ۱۱۴ - موعودشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی
- ۱۱۵ - مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات عزیز الله حیدری
- ۱۱۶ - مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی العمیدی / محبوب القلوب
- ۱۱۷ - مهدی موعود علیه السلام، ترجمه جلد ۱۳ بحار - دو جلد علامه مجلسی رحمه الله/ارومیه ای
- ۱۱۸ - مهربان تر از مادر / نوجوان حسن محمودی
- ۱۱۹ - مهر بیکران محمد حسن شاه آبادی
- ۱۲۰ - میثاق منتظران (شرح زیارت آل یس) سید مهدی حائری قزوینی
- ۱۲۱ - ناپیدا ولی با ما / (فارسی، ترکی استانبولی، انگلیسی، بنگالا) واحد تحقیقات

۱۲۲ - نجم الثاقب میرزا حسین نوری رحمه الله

۱۲۳ - نجم الثاقب (دو جلدی) میرزا حسین نوری رحمه الله

۱۲۴ - ندای ولایت بنیاد غدیر

۱۲۵ - نشانه های ظهور او محمد خادمی شیرازی

۱۲۶ - نشانه های یار و چکامه انتظار مهدی علیزاده

۱۲۷ - نگاهی به مسیحیت و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

ص: ۱۰۳

۱۲۸ - نماز شب واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران

۱۲۹ - نهج الکرامه گفته ها و نوشته های امام حسین علیه السلام محمّد رضا اکبری

۱۳۰ - و آن که دیرتر آمد الهه بهشتی

۱۳۱ - واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۱۳۲ - وظایف منتظران واحد تحقیقات

۱۳۳ - ویژگی های حضرت زینب علیها السلام سید نور الدین جزائری

۱۳۴ - هدیه احمدیه / (جیبی، نیم جیبی) میرزا احمد آشتیانی رحمه الله

۱۳۵ - همراه با مهدی منتظر مهدی فتلاوی/بیژن کرمی

۱۳۶ - یاد مهدی علیه السلام محمد خادمی شیرازی

۱۳۷ - یار غائب از نظر (مجموعه اشعار) محمد حجّتی

۱۳۸ - ینابیع الحکمه/عربی - پنج جلد عباس اسماعیلی یزدی

جهت تهیه و خرید کتاب های فوق، می توانید با نشانی:

قم - صندوق پستی ۶۱۷، انتشارات مسجد مقدّس جمکران مکاتبه و یا با شماره تلفن های ۷۲۵۳۷۰۰، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۰۲۵۱ تماس حاصل نمایید.

کتاب های درخواستی بدون هزینه پستی برای شما ارسال می گردد.

سایر نمایندگی های فروش:

تهران: ۰۲۱ - ۶۶۹۲۸۶۸۷، ۶۶۹۳۹۰۸۳

یزد: ۰۳۵۱ - ۶۲۸۰۶۷۱-۲، ۶۲۴۶۴۸۹

فریدون کار: ۱۴ - ۵۶۶۴۲۱۲ - ۰۱۲۲

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

